

قاصد

بررسی وضعیت تحولات
پس از تفاهم میان

ایران و آمریکا

۱۴ شهریور ۱۴۰۵

ساعت تنظیم گزارش: ۱۷:۰۰

شماره ۱۶۳

مرکز رصد و پایش ق. رسانه



مقدمه و پیشگفتار

تحولات جاری میان ایران و آمریکا در بستری از **تداوم درگیری نظامی، تشدید فشار اقتصادی، انسداد دیپلماتیک و رقابت فشرده روایی** دنبال می‌شود. بازتاب رسانه‌ای این وضعیت نشان می‌دهد که منازعه از سطح تقابل مستقیم دو کشور فراتر رفته و اکنون حوزه‌های **سیاست داخلی، امنیتی-نظامی، اقتصادی، منطقه‌ای، رسانه‌های معاند و بین‌الملل** را به صورت هم‌زمان تحت تأثیر قرار داده است. در این چارچوب، هر جریان می‌کوشد با برجسته‌سازی بخشی از واقعیت، برداشت مطلوب خود را درباره **موازنه قدرت، میزان تاب‌آوری طرفین و مسیر آینده جنگ** تثبیت کند. در حوزه **سیاست داخلی**، اظهارات حسن روحانی درباره پایان عزتمندانه جنگ و مراجعه به نظر مردم، انتقاد هماهنگ اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان از صداوسیما و مناقشه جناحی درباره نسبت **تفاهم اسلام‌آباد** با تحولات **ارتفاعات علی‌الظاهر**، از انتقال آثار جنگ به عرصه رقابت‌های گفتمانی حکایت دارد. در حوزه **امنیتی-نظامی**، فرسودگی ناو آبراهام لینکلن، تلفات پهپادهای رپیر، هدف قرار گرفتن نفتکش در نزدیکی خارک و احتمال تداوم راهبرد «**چمن‌زنی**»، نشانه‌های ورود منازعه به یک دوره فرسایشی ارزیابی شده‌اند.

در حوزه **اقتصادی**، جهش نرخ ارز، ناترازی بانکی، نااطمینانی درباره قیمت بنزین، اختلال در تردد هرمز و افزایش قیمت نفت، تصویری از پیوند مستقیم جنگ با معیشت ارائه می‌کند. هم‌زمان، **رسانه‌های معاند** بر بازگشت اعتراضات، فروپاشی بازدارندگی و معرفی آلترناتیو سیاسی تمرکز دارند. در حوزه **منطقه‌ای**، تحولات لبنان، عراق، یمن و ترتیبات امنیتی اسرائیل برجسته شده و در حوزه **بین‌الملل** نیز ارجاع احتمالی پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، تشدید تحریم‌ها، تهدید تأسیسات هسته‌ای و طراحی نظم پساجنگ، خطوط اصلی روایت غرب را شکل داده است.

مهمترین اخبار خارجی و داخلی در ۲۴ ساعت منتهی به تهیه گزارش

اخبار و تحرکات محور آمریکا - غرب

❖ ایالات متحده آمریکا همراه با بریتانیا، فرانسه، و آلمان در تلاش است شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هفته آینده قطعنامه‌ای تصویب کند که پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران برای نخستین بار در ۲۰ سال گذشته به شورای امنیت سازمان ملل متحد گزارش دهد. (رویترز)

❖ ترامپ: برای آن آشغال‌های خائنی که حاضر نیستند درباره عملیات نظامی ما در ایران گزارش دقیق بدهند؛ ما عملاً مقادیر نامحدودی مهمات با کیفیت متوسط تا بالا در اختیار داریم؛ بسیار بیشتر از آنچه بتوانیم در این جنگ یا هر جنگ دیگری - که وقوعش بسیار بعید است! - مصرف کنیم. علاوه بر این، ما در سطحی بی‌سابقه در حال تولید مهمات هستیم. در حال ذخیره‌سازی و آماده‌شدن برای هر وضعیت احتمالی هستیم که ممکن است پیش بیاید. این مهمات را برای خودمان، ایالات متحده آمریکا، نگه می‌داریم، به جای اینکه آن‌ها را به دیگران بفروشیم؛ اما فروش به متحدان نیز به زودی دوباره آغاز خواهد شد. (حساب تروث سوشال ترامپ)

❖ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا با انتشار تصویری مجموع حجم نفت و گاز مایعی که پیش از جنگ از تنگه هرمز عبور می‌کرد را با میزان کنونی آن مقایسه کرد و نوشت: «حجم نفت هرمز بازگشته است!» (حساب تروث سوشال ترامپ)

❖ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا: آن‌ها سه سایت داشتند و شاید حالا کوه کلنگ گزلا را هم داشته باشند، اما ما روی همه این مناطق دوربین داریم. می‌دانیم چه کسی وارد می‌شود و چه کسی خارج می‌شود. او در ادامه درباره توان اطلاعاتی آمریکا افزود: حتی می‌توانیم از فضا اسم افراد را بخوانیم. آن‌ها حتی نمی‌توانند بدون اینکه ما متوجه شویم جابه‌جا شوند. ما دقیقاً می‌دانیم چه خبر است و از این بابت کاملاً مطمئن هستیم. (جی بی نیوز)

❖ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده ضمن اشاره به احتمال بی‌اهمیت شدن تنگه هرمز در نهایت امر، با بیان این که «خطوط لوله همین الان در حال احداث هستند. جاده‌ای که از سوریه می‌گذرد در حال ساخت است و در واقع باز است»، گفت: مردم با تانک‌های محموله‌های نفت را از سوریه عبور می‌دهند. جایگزین‌های زیادی برای تنگه هرمز در حال ایجاد است و این آبراه دیگر اهمیت قبلی را نخواهد داشت. (فاکس نیوز)

❖ وزارت خزانه‌داری آمریکا روز جمعه اعلام کرد «گلدن گلوبال بانک» و دو شرکت زیرمجموعه آن، «گلدن گلوبال وارلیک کیرالاما» و «گلدن گلوبال پورترفوی یونتیوی»، در چارچوب عملیات «طرد اقتصادی» به فهرست تحریم‌ها افزوده شده‌اند. هر سه نهاد در ترکیه مستقر هستند. (حساب ایکس وزارت خزانه‌داری آمریکا)

- ❖ اسکات بسنت، وزیر خزانه داری آمریکا، نوشت از زمان برقراری دوباره محاصره آمریکا، هیچ محموله نفت خام ایران نتوانسته با موفقیت از تنگه هرمز عبور کند و به چین برسد. او افزود نفت خام در کشتی‌های گرفتار در داخل تنگه انباشته شده و امکان جایگزین کردن ذخایر صادر شده وجود ندارد. بسنت نوشت: «مسیر حیاتی صادرات ایران در حال قطع شدن است؛ نفت سرگردان، ظرفیت محدود ذخیره سازی و درآمدهایی که به سرعت در حال کاهش است.» (حساب ایکس بسنت)
- ❖ ترامپ: دیوانه‌های چپ رادیکال، دموکرات‌های احمق و کمونیست‌ها ترجیح می‌دهند ما در جنگ ایران شکست بخوریم تا اینکه رئیس‌جمهور دونالد جی. ترامپ جنگ را برای آمریکا ببرد. (حساب تروث سوشال ترامپ)
- ❖ جی دی ونس: نسبت به احتمال نقش آمریکا در حمله به مراسم عروسی در سیریک بدبین هستم. (فاکس نیوز)
- ❖ برنامه پاداش برای عدالت وزارت خارجه آمریکا، یک فرمانده سپاه پاسداران ایران با نام «امیر یاریاب» را به دلیل طرح ریزی، پشتیبانی و هدایت حملات سایبری علیه مراکز حیاتی ایالات متحده، تحت پیگرد قرار داده و به ازای ارائه هرگونه اطلاعاتی برای شناسایی او، مبلغ ۱۰ میلیون دلار پاداش تعیین کرد. (حساب ایکس پاداش برای عدالت)
- ❖ سفیر آمریکا در ترکیه می‌گوید کارزار «فشار حداکثری» واشنگتن علیه جمهوری اسلامی ایران بر مسدود کردن یک به یک مسیرهای پولشویی ایران متمرکز است. (صدای آمریکا)
- ❖ بنابر گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا در هفته‌های اخیر، ایران پس از گذشت شش ماه از آغاز درگیری با آمریکا، به توانایی خود برای حمله به اهدافی در خاورمیانه اعتماد بیشتری پیدا کرده و به نظر می‌رسد مصمم است برای تحت فشار قرار دادن ایالات متحده، این درگیری را ماه‌ها ادامه دهد. (نیویورک تایمز)
- ❖ قیمت گازوئیل در آمریکا با ثبت رکورد تازه‌ای به بیش از پنج و نیم دلار در هر گالن رسید. (رادیو فردا)
- ❖ سرویس دریایی دریایی تنکرتکرز اعلام کرد دست کم ۱۷ انتقال کشتی به کشتی نفت خام و گاز روز جمعه در خلیج عمان انجام شد. (حساب ایکس تانترکرز)
- ❖ موسسه بریتانیایی «پیرسون» که برگزارکننده آزمون زبان انگلیسی «پی تی ئی» و آزمون ای ام سی (شورای پزشکی استرالیا) است، در بیانیه‌ای اعلام کرد که به دلیل تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران، آزمون‌های داوطلبان ساکن ایران را لغو می‌کند. (ایران وایر)
- ❖ یک «مقام ارشد سیاسی امنیتی ایران» هشدار داد که تهران هرگونه مشارکت کره جنوبی علیه ایران در تنگه هرمز را «مشارکت مستقیم نظامی در جنگ» تلقی خواهد کرد. (المیادین)
- ❖ دولت ترامپ در حال تدوین طرحی راهبردی برای دوران پس از جنگ ایالات متحده با ایران است.

هدف از این طرح مهار جمهوری اسلامی ایران و گسترش عادی سازی مناسبات اسرائیل با دیگر کشورهای خاورمیانه عنوان شده است. (اکسیوس)

❖ استیو ویتکاف و جرد کوشنر، فرستادگان ویژه دونالد ترامپ، به عنوان بخشی از تلاش جدید آمریکا برای پایان دادن به جنگ بین روسیه و اوکراین به مسکومی روند. (بی بی سی)

❖ زلنسکی: روسیه پیش از ورود ویتکاف و کوشنر، دو فرودگاه در کی یف و بوریسپیل را هدف قرار داد. (رویترز)

❖ در چارچوب تحقیقات گسترده درباره افشای اطلاعات طبقه بندی شده، از حدود ۵۰ عضو نظامی و غیرنظامی ستاد مشترک ارتش آمریکا آزمایش دروغ سنج گرفته شده است. (سی بی اس)

❖ حمله گسترده سایبری به اداره ایالتی برلین وارد مرحله تازه ای شده و حدود شش ترابایت داده، از جمله اسناد به شدت محرمانه، در دارک نت منتشر شده است. (یورونیوز)

اخبار و تحركات محور عبری - منطقه ای

❖ به نقل از یک مقام ارشد منطقه ای: عمان پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران برای دریافت مشترک هزینه خدمات از کشتی های تجاری عبوری از تنگه هرمز را رد کرده است مسقط حتی با دریافت داوطلبانه هزینه خدمات زیست محیطی و امنیتی از کشتی ها موافقت نکرده است.. (نیویورک پست)

❖ وزارت خارجه قطر: حملات موشکی ایران به مناطق غیرنظامی و مسکونی و خسارات ناشی از آن را ثبت کردیم. موفقیت نیروهای مسلح ما در رصد و رهگیری حملات ایران از خطرناک بودن آن نمی کاهد. در جنگ طرف نیستیم و حملات متجاوزانه علیه خاک کشورمان قابل توجیه نیست. (الجزیره)

❖ ارتش اسرائیل پاکسازی زیرساخت های زیرزمینی حزب الله در رشته کوه علی طاهر را به پایان رساند و در حال خنثی سازی آن ها است. (ارتش دفاعی اسرائیل)

❖ رشاد العلیمی، رئیس شورای رهبری ریاست جمهوری یمن: یمن اجازه کنترل ایران و شبه نظامیان نیابتی های آن بر تنگه باب المندب را نخواهد داد. (العربیه)

❖ اسرائیل در چند حمله هوایی «المنصوری» و «نبطیه فوقا» در جنوب لبنان را بمباران کرد. (العربیه)

❖ رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه در تماسی تلفنی با محمد بن زاید آل نهیان، رئیس امارات متحده عربی، درباره مناسبات دوجانبه و تحولات منطقه ای و جهانی از جمله تنش حاکم میان تهران و واشنگتن گفت وگو کرده است. (آنا تولی)

❖ منابع نظامی یمنی: چهار کارشناس ایرانی و لبنانی در پی حمله به یک مرکز فرماندهی حوثی ها در الجوف کشته شدند. (العربیه)

❖ رشاد العلیمی، رئیس شورای رهبری ریاست جمهوری یمن، شامگاه جمعه گفت: «هرگونه

ماجرای حوثی‌ها به سمت باب‌المندب، به فرسایشی سخت برای این گروه تحت حمایت ایران تبدیل خواهد شد». (خبرگزاری سبا)

❖ ایالات متحده با مجموعه‌ای از قراردادهای تسلیحاتی با عربستان سعودی، عمان و عراق به ارزش بیش از ۶ میلیارد دلار موافقت کرده است. بخش اعظم این قراردادها به عربستان سعودی اختصاص دارد که ارزش آن ۵.۷۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود. (رویترز)

❖ ارتش اسرائیل از حمله به «زیرساخت‌ها و عناصر حزب‌الله» در جنوب لبنان خبر داد. (حساب ایکس ارتش اسرائیل)

❖ محمد اشتیه، نخست‌وزیر پیشین فلسطین، گفت اسرائیل در حال پیشبرد روند «الحاق تدریجی و خاموش» بخش‌هایی از کرانه باختری است. اقدامی که با مخالفت‌های بین‌المللی روبه‌رو شده است. (اسپوتنیک)

❖ پارلمان پاکستان برای نخستین بار در تاریخ این کشور، به ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش، اختیار قانونی فرماندهی هر سه نیروی مسلح — ارتش، نیروی دریایی و نیروی هوایی — را اعطا کرده است. (بی‌بی‌سی)

❖ دیوید لمی، وزیر خارجه بریتانیا، گفت این کشور باید در قبال بحران انسانی در غزه «قاطعانه‌تر» عمل کند. (حساب اینستاگرام دیوید لمی)

❖ نیروی دریایی یمن دو قایق حوثی را که تلاش داشتند به الفجره و بندر المخاحمله کنند، منهدم کردند. (العربیة)

اخبار مهم سیاسی - امنیتی داخلی

❖ سرلشکر وحیدی: سپاه و سایر نیروهای مسلح، پاسدار حرمت خون شهدای کوهستک هستند. خون پاک شهدای مظلوم کوهستک هرگز بی حساب نخواهد ماند. (تسنیم)

❖ قالیباف: کاهش سریع ذخایر استراتژیک، افزایش بی‌سابقه نرخ بازده اوراق و جهش پرشتاب قیمت نفت آتی، بسنت را در لبه پرتگاه قرار داده است. (حساب ایکس قالیباف)

❖ قالیباف: کشورهای منطقه باید آینده خود را با داستان خود رقم بزنند. (قالیباف)

❖ در جریان حملات جنایتکارانه ۱۰ شهریورماه ارتش تروریستی آمریکا به نقاطی در جنوب کشور، ۶ نفر از نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران (نیروی دریایی) به شهادت رسیدند. (تسنیم)

❖ همتی: بانک مرکزی با استفاده از ظرفیت ارزی و ابزارهای در اختیار خود، به موقع و با قدرت در بازار مداخله خواهد کرد. (صداوسیما)

❖ صدای چند انفجار از محدوده خلیج فارس شنیده شده، اما نشانه‌ای از دود یا آتش مشاهده نشده است. (نورنیوز)

- ❶ در ادامه افزایش قیمت ها و التهاب در بازار ارز ایران، نرخ دلار آمریکا در بازار آزاد شنبه ۱۴ شهریور به رقم بی سابقه ۲۲۵ هزار تومان رسید. (ایران اینترنشنال)
- ❷ روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه: بارصد اطلاعاتی هوشمند، یک تیم تروریستی در اقدام عملیاتی مشترک توسط رزمندگان قرارگاه قدس شامل اداره کل اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه استان سیستان و بلوچستان و فراجا استان مورد شناسایی و ضربه قاطع قرار گرفت که منجر به هلاکت دو نفر از تروریست ها گردید. (تسنیم)
- ❸ در جریان معاملات امروز ۱۴ شهریور شاخص کل بورس با رشد ۹۷ هزار و ۲۷۶ واحد در سطح ۶ میلیون و ۶۰ هزار واحدی ایستاد. (تسنیم)

نگاه جریان های داخلی به جنگ و مسائل مرتبط

خلاصه مدیریتی - مهم ترین محورهای رسانه ای

- ❖ طرح ریزی گفتمان صلح طلبانه برای خروج جنگ از انحصار نهادهای نظامی و امنیتی توسط حسن روحانی
- ❖ بازتعریف مفهوم عزت ملی در تقابل با گفتمان نظامی گری و انتقال آن به حوزه کارآمدی اقتصادی و معیشت توسط حسن روحانی
- ❖ تاریخ گرایی راهبردی روحانی برای اعتبارزدایی از رویکردهای شتابزده و آخرالزمانی در مواجهه با تهدیدات خارجی
- ❖ ساخت دوگانه «ولایت منتخب مردم» در تقابل با «نظریه ولایت مطلقه فقیه» با استناد به نامه امام خمینی (ره)
- ❖ ائتلاف سازی غیررسمی اصلاح طلبان و اعتدال گرایان برای به چالش کشیدن مشروعیت ساختار فعلی صداوسیما
- ❖ فضا سازی هماهنگ علیه صداوسیما با محوریت شبکه سازی اقتصادی و سیاسی نیروهای آن برای اثبات غیرملی بودن ساختار
- ❖ گره زدن نارضایتی از صداوسیما به مطالبه عمومی برای کاهش فشار روانی و تغییر در فضای اجتماعی
- ❖ تسویه حساب جناحی با بهره برداری از سقوط ارتفاعات علی الطاهر در لبنان و ایجاد نبرد روایت ها پیرامون تفاهم اسلام آباد
- ❖ انشقاق افکنی در بدنه نظام با نسبت دهی سقوط میدانی لبنان به کوتاه آمدن دولت از اصول مورد نظر رهبر انقلاب در متن تفاهم نامه اسلام آباد
- ❖ کشف عملیات روانی دشمن در انحراف تحلیل ها از استراتژی نظامی اسرائیل به سمت رقابت های داخلی
- ❖ القای فروپاشی اقتصادی با سناریوی تورم سه رقمی و دلار ۳۰۰ هزار تومانی توسط محسن هاشمی رفسنجانی
- ❖ موج سازی های مستمر جریان اصلاح طلبی پیرامون دوگانه جنگ و صلح در کنار اعتبارزدایی از رویه های تصمیم گیری ارکان نظام در پرونده آمریکا

تلاش حسن روحانی برای تقویت مرزهای دوگانه در برابر قرائت‌های رسمی نظام

اظهارات حسن روحانی، رئیس‌جمهور اسبق، در دیدار با استانداران دولت‌های یازدهم و دوازدهم، در برگرفته یک بسته‌ی گفتمانی منسجم است که در شرایط کنونی حساسیت‌زدایی از تنش‌های نظامی و اقتصادی، طراحی و ارائه شده است. این اظهارات، نه در مقام یک مرور خاطره‌گونه، بلکه در جایگاه یک کنش‌گری راهبردی با هدف بازتعریف مراجع تصمیم‌گیری در حیاتی‌ترین مسائل کشور، قابل تحلیل است. زمان‌بندی انتشار این اظهارات - در فاصله‌ای کوتاه پس از تحولات اخیر منطقه‌ای - نشان از طراحی هدفمند برای اثرگذاری بر فضای گفتمانی پیش‌روی نظام دارد.

۱. گسست از گفتمان غالب: جنگ به مثابه‌ی یک مسئله‌ی عمومی

نکته‌ی محوری در اظهارات روحانی، خروج جنگ از انحصار نهادهای امنیتی و نظامی و مطرح کردن آن به عنوان یک «مسئله‌ی ملی نیازمند نظرخواهی عمومی» است. او با طرح این پرسش که «آیا مردم قبول دارند ۲ سال دیگر بجنگیم؟»، عملاً شورای عالی امنیت ملی را به عنوان مرجع تصمیم‌گیرنده نادیده می‌گیرد و مشروعیت پایان جنگ را به رفراندومی ضمنی گره می‌زند. این رویکرد، در تضاد آشکار با رویه‌ی رایج تصمیم‌گیری فراقانونی در موضوعات امنیتی است و می‌تواند بستری برای **دوگانه‌سازی جدید میان «اکثریت خاموش صلح‌طلب» و «اقلیت پرسروصدای جنگ‌خواه»** فراهم آورد. او با تأکید بر اینکه «همه‌ی سمت‌ها از جانب مردم است»، مرجعیت نهادهای غیرانتخابی را به چالش می‌کشد.

۲. بازتعریف «عزت» در پایان جنگ

روحانی با تکرار کلیدواژه‌ی «پایان عزتمندانه‌ی جنگ»، در ظاهر به چارچوب‌های نظام وفادار است، اما در عمل، تعریفی از «عزت» ارائه می‌دهد که با تفسیر رایج آن در جبهه‌ی انقلاب فاصله‌ی معناداری دارد. در گفتمان او، عزت نه در «ادامه‌ی مقاومت تا سرنگونی دشمن» که در «توانایی جبران خسارت‌ها و امیدواری جوانان به آینده» معنای خود را می‌یابد. این تغییر تعریف، به صراحت اولویت را از «بازدارندگی نظامی» به «کارآمدی اقتصادی و معیشت» منتقل می‌کند و در پی آن است تا هزینه‌های تداوم جنگ را در افکار عمومی برجسته سازد.

۳. اعتبارزدایی از رویکردهای آخرالزمانی از طریق تاریخ‌گرایی

روحانی با توسل به تاریخ صدر اسلام، الگوی «انتقام تدریجی» را در مقابل «انتقام فوری» قرار می‌دهد و با اشاره به سرنگونی حکومت بنی‌امیه توسط ائمه، هر گونه اقدام نظامی عجولانه را «سطح پایین» و فاقد کارایی راهبردی معرفی می‌کند. این خوانش، در واقع مشروعیت کنش نظامی

تلافی جویانه را به چالش می کشد و آن رفتاری احساسی و غیرعقلانی قلمداد می نماید. پیام پنهان این گزاره، آن است که ابزارهای نظامی اگرچه ضروری اند، اما به تنهایی راهگشانیستند و باید در کنار «روشنگری فرهنگی» و «مشورت با مردم» قرار گیرند.

۴. تقویت نظریه‌ی «ولی منتخب مردم» در برابر «ولی مطلقه فقیه»

ارجاع روحانی به نامه‌ی تاریخی امام خمینی به آیت الله مشکینی، در واقع تلاشی برای بازسازی نظریه‌ای از ولایت است که در آن، نفوذ و مشروعیت حاکم، به انتخاب مردمی و خبرگان برگزیده گره خورده است. او با این استدلال، به صراحت اعلام می کند که هیچ کس «از جانب خداوند» حاکم نیست و تمام سمت‌ها، امانتی از سوی مردم محسوب می شود. این گزاره، در شرایطی که ساختار قدرت بر پایه‌ی ولایت مطلقه فقیه تعریف شده است، یک چالش بنیادین در باب منشأ مشروعیت تلقی می شود.

تحلیل آینده‌نگر: سناریوهای پیش رو

❶ سناریوی اول (نفوذ در افکار عمومی): گفتمان «صلح مشروط به نظر مردم» در میان طبقات شهری به عنوان یک آلترناتیو جدی مطرح می شود و فشار بر نهادهای امنیتی را افزایش می دهد.

❷ سناریوی دوم (واکنش حاکمیت): نهادهای حاکمیتی با تولید روایت‌های متقابل، سعی در کم رنگ سازی اثرگذاری روحانی دارند؛ اما روایت‌هایش در شبکه‌های اجتماعی به حیات خود ادامه می دهد.

❸ سناریوی سوم (جذب تاکتیکی): در صورت تشدید تحریم‌ها، ممکن است بخشی از رویکردهای روحانی (تأکید بر معیشت و مشورت با مردم) به عنوان راه‌گشای موقت، توسط برخی نهادها جذب شود.

جمع‌بندی:

اظهارات اخیر روحانی، یک پروژه‌ی کامل اعتبارزدایی از گفتمان نظامی حاکم و ارائه‌ی الگوی جایگزین «جمهوریت‌راندومی» است. این پروژه، در میان مدت می تواند به چالش مشروعیت نهادهای غیرمردمی و بازتعریف مرجع صلح منجر شود. مهم‌ترین دستاورد راهبردی این سخنان، تغییر مرزهای گفتمانی قابل قبول در جامعه است؛ جایی که پیش تر، طرح موضوع رفتارندوم برای جنگ، یک خط قرمز تلقی می شد، اما اکنون به عنوان یک «سوال مشروع» در افکار عمومی مطرح می شود. حاکمیت برای مدیریت این موج احتمالی، ناگزیر از ارائه‌ی روایت‌های شفاف‌تر یا پذیرش هزینه‌های سیاسی این تغییر گفتمان است.

تلاش حامیان دولت (اصلاح طلبان، اعتدالیون و اصولگرایان) برای حفظ فشار علیه سازمان صداوسیما

در روزهای اخیر، موجی از انتقادات هماهنگ از سوی چهره‌ها و رسانه‌های شاخص حامی دولت علیه عملکرد صداوسیما شکل گرفته است. این فضا سازی، که با انتشار مستنداتی درباره‌ی «انتقال مجریان و خبرنگاران به ساختار قدرت و اقتصاد»، «عدم تماشای رسانه ملی توسط رئیس جمهور»، «اتهام جناحی و بانندی شدن صداوسیما»، «فاصله‌گیری صداوسیما از دغدغه‌های اصلی مردم» همراه شده، در بستر حساسیت‌های سیاسی کنونی و هم‌زمان با اظهارات اخیر حسن روحانی درباره‌ی لزوم «ملی شدن» رسانه ملی، معنایی فراتر از یک نقد رسانه‌ای پیدا کرده است.

سخنگوی جبهه‌ی اصلاحات ایران [جواد امام] در جدیدترین اظهار نظر خود، صداوسیما را متهم به «حذف صداها و متکثر» و «تبدیل شدن به بلندگوی یک جریان خاص» کرده و آن را فاقد اعتماد مردم دانسته است. قائم مقام حزب اعتماد ملی [اسماعیل گرامی مقدم] نیز با طرح این پرسش که «چرا دولت منتخب مردم در صداوسیما سانسور می‌شود؟»، مدیریت فعلی را غیرفراجناحی خوانده و اسامی مطرح شده برای ریاست رسانه ملی (مانند زاکانی و بذریاش) را با این ویژگی همخوان ندانسته است.

در موازات این اظهارات، نظرسنجی‌های خبرآنلاین (با ۸۹ تا ۹۵ درصد مخالفت با افتخارآمیز بودن تماشای صداوسیما) و نیز یادداشت قادر باستانی در روزنامه‌ی جمهوری اسلامی که خواستار «کاهش تولید اضطراب» و «جدی گرفتن وظیفه‌ی سرگرمی و نشاط‌آفرینی» توسط صداوسیما شده، بر ابعاد اجتماعی این نارضایتی تأکید دارد.

آنچه این فضا سازی را راهبردی می‌سازد، هم‌زمانی سه مؤلفه است:

❖ انتشار اسناد شبکه سازی نیروهای صداوسیما در نهادهای اقتصادی و سیاسی (برای اثبات «غیرملی» بودن ساختار)

❖ ارجاع به نظرسنجی‌های مجازی برای نشان دادن فاصله‌ی عمیق مردم با رسانه ملی

❖ گره زدن نقد صداوسیما به مطالبه‌ی عمومی برای تغییر در فضای اجتماعی و کاهش فشار روانی این سه ضلع، در کنار اظهارات روحانی درباره‌ی «لزوم واگذاری صداوسیما به کل ملت»، یک ائتلاف گفتمانی غیررسمی را میان اصلاح طلبان، اعتدال گرایان و بخشی از اصولگرایان میانه به وجود آورده است که هدف آن، به چالش کشیدن مشروعیت ساختار فعلی رسانه ملی و زمینه سازی برای تغییر در مدیریت آن در فضای تحریم / جنگ یا پیش از مشخص شدن وضعیت حکم رئیس فعلی صداوسیما (در مهرماه) است.

تمرکز گروه‌های داخلی بر ایجاد رابطه علت و معلولی میان مفهوم «علی‌الاصول» و «سقوط علی‌الطاهر»

در ساعات اخیر، ارتش اسرائیل اعلام کرد که کنترل عملیاتی ارتفاعات راهبردی «علی‌الطاهر» در جنوب لبنان را به دست گرفته و تونل‌های زیرزمینی این منطقه را از نیروهای حزب‌الله پاک‌سازی کرده است. یسرائیل کاتز، وزیر دفاع اسرائیل، این عملیات را گامی مهم برای تثبیت حضور در جنوب لبنان خواند. هم‌زمان، در فضای سیاسی و رسانه‌ای ایران، مناقشه‌ای درباره نسبت این رویداد با «تفاهم اسلام‌آباد» (ایران-آمریکا) و عبارت «علی‌الاصول» در پیام مرتبط با تفاهم نامه اسلام‌آباد که توسط رهبر معظم انقلاب تقریر شده (۲۸ خرداد) - شکل گرفته است.

سقوط ارتفاعات علی‌الطاهر - که پیشتر گمان می‌رفت حزب‌الله در آن مرکز فرماندهی زیرزمینی و انبارهای تسلیحاتی دارد - به سرعت به موضوعی برای تسویه حساب‌های جناحی در ایران تبدیل شده است. آنچه رخ داده، شکل‌گیری «نبرد روایت‌ها» پیرامون یک رویداد میدانی است که هر جریان سیاسی سعی دارد آن را به نفع خود تفسیر کند.

دور روایت اصلی در این مناقشه قابل تشخیص است:

❶ روایت حامیان تفاهم اسلام‌آباد (شامل طیف‌هایی از اصلاح‌طلبان تا نزدیکان قالیباف): این روایت بر عدم ارتباط علی بین تفاهم اسلام‌آباد و سقوط علی‌الطاهر تأکید دارد. نویسندگان یادداشت «کاسبی سیاسی از سقوط علی‌الطاهر» در روزنامه خراسان (نزدیک به قالیباف)، این رویداد را نتیجه ماه‌ها محاصره، بمباران و عملیات زمینی اسرائیل می‌دانند و نسبت دهی آن به تهران را «کاسبی سیاسی» و «شلیک رسانه‌ای به داخل» می‌خوانند. این روایت بر اقدامات ایران در استفاده از اهرم تنگه هرمز و گنجاندن لبنان در مذاکرات به عنوان عامل ایجاد محدودیت برای اسرائیل اشاره دارد. در این نگاه، تفاهم نه تنها عامل سقوط نبوده، بلکه برای مدتی مانع شتاب پیشروی اسرائیل شده است. همچنین، این روایت تأکید دارد که تفاهم اسلام‌آباد حدود ۵۰ روز است که عملاً اجرا نمی‌شود و منتقدان باید راه حل جایگزین خود را برای متوقف کردن ارتش اسرائیل ارائه دهند. سطح دوم که در توییت‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی بازتاب یافته، با استناد به عبارت «بنده علی‌الاصول، نظر دیگری داشتم» در پیام رهبری، بر این باور است که این جمله موجب انشقاق داخلی و تضعیف موقعیت مذاکره‌کنندگان شده و در ادامه، با وقوع حوادثی مانند حمله به کشتی‌ها در سواحل عمان، تفاهم از بین رفته و نهایتاً زمینه برای سقوط علی‌الطاهر فراهم شده است. در این سطح از روایت، دولت و تفاهم با آمریکا به عنوان عامل اصلی شکست معرفی می‌شوند.

❷ روایت منتقدان تفاهم نامه (اصولگرایان نزدیک به سعید جلیلی، جبهه پایداری، اُمنّا): این روایت با یک منطق مشترک مطرح می‌شود. به طور مثال سید نظام‌الدین موسوی، از چهره‌های سیاسی

اصولگرا، در توییتی چنین بیان کرده که اگر به «علی‌الاصول» عمل می‌شد، علی‌الظاهر سقوط نمی‌کرد. او و بسیاری دیگری از کاربران توییتری بر این باور است که عدم رعایت و در نظر گرفتن کامل «اصول» مورد نظر رهبری در تفاهم اسلام‌آباد، زمینه‌ساز تضعیف جبهه مقاومت و در نهایت سقوط علی‌الظاهر شده است. این سطح از روایت، برخلاف روایت نخست، مستقیماً دولت (پزشکیان) و شخص قالیباف را به کوتاه آمدن از اصول متهم می‌کند.

نکته کلیدی: هر دو روایت، با وجود تفاوت‌های بنیادین، در یک نقطه مشترک هستند: دور کردن تمرکز از عاملیت اصلی - یعنی استراتژی نظامی اسرائیل و تغییر موازنه قدرت در جنوب لبنان - و معطوف کردن بحث به رقابت‌های داخلی. در این میان، تحلیل عملیاتی از دلایل سقوط علی‌الظاهر و ارزیابی بی‌طرفانه از کارآمدی تفاهم اسلام‌آباد در مهار بحران‌های منطقه‌ای مغفول می‌ماند.

جمع‌بندی:

هم‌زمان با تحولات میدانی در لبنان، فضای سیاسی ایران شاهد «سیاست زدگی» از یک رویداد نظامی است که هم واقعیت میدان را تحریف می‌کند و هم لبه حمله را از دشمن خارجی به داخل معطوف می‌سازد. این روند، فارغ از نتایج آن برای هر یک از جناح‌ها، توان تحلیل راهبردی کشور را تضعیف و امکان تصمیم‌گیری متمرکز بر مصالح ملی را کاهش می‌دهد.

موج‌سازی‌های مستمر جریان اصلاح طلبی پیرامون دوگانه جنگ و صلح در کنار اعتبارزدایی از رویه‌های تصمیم‌گیری ارکان نظام در پرونده آمریکا

در فضای رسانه‌ای جریان اصلاحات، دو روایت متمایز اما مکمل از آینده دیپلماسی ایران، جنگ اقتصادی و سناریوهای پیش روی تنش با غرب شکل گرفته است. از یک سو، تحلیل‌گران این طیف با تکیه بر داده‌های اقتصادی و نشانه‌های رفتاری واشنگتن، هشدار از «تله نمد مالی» ترامپ می‌دهند و از سوی دیگر، بر نقش تعیین‌کننده چین در سرنوشت جنگ اقتصادی تأکید می‌کنند. در این میان، پرسش از رفتار روسیه و چین در قبال قطعنامه احتمالی آژانس و بازگشت پرونده ایران به شورای امنیت، به محور اصلی گمانه‌زنی‌ها تبدیل شده است.

۱. سناریوهای نظامی؛ زمان‌بندی و مبتکر تنش

محمود سریع‌القلم هشدار داده که آمریکایی‌ها پس از انتخابات کنگره به سراغ عملیات گسترده نظامی علیه ایران می‌آیند. در مقابل، امیرعلی ابوالفتح آغاز جنگ پرشدت از سوی واشنگتن پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای را محتمل نمی‌داند، اما حمله پیش‌دستانه ایران را رد نمی‌کند. او تأکید دارد که جنگ اقتصادی فعلی پرشدت‌تر از جنگ نظامی کم‌سطح است و پس از انتخابات، هر دو جبهه ممکن است تشدید شوند.

۲. تله نمد مالی؛ پیش بینی از فروپاشی اقتصادی

محسن هاشمی از «تله نمد مالی» ترامپ سخن گفته و هشدار داده که با فرض قطع برق و بنزین در فصول سرد سال، ایران با تورم سه رقمی مواد خوراکی و دلار ۳۰۰ هزار تومانی مواجه خواهد شد. او طراحی اسرائیل را مبتنی بر بهره برداری از این بحران برای تکرار اعتراضات دی ماه در مقیاسی بزرگ تر می داند. **هاشمی** بر لزوم انسجام ملی و حمایت از مسیر رئیس جمهور و وزیر امور خارجه تأکید دارد.

۳. دو مسیر موازی در نظام جمهوری اسلامی

محسن هاشمی در روزنامه سازندگی به دو مسیر موازی در نظام اشاره می کند: مسیر دولت برای بازگشت به توافق اسلام آباد و رویکرد جریان انقلابی با تأکید بر بستن کامل تنگه هرمز. او هشدار می دهد که این شکاف، بستر سوء استفاده آمریکا و اسرائیل را فراهم می کند. در مقابل، نقدی ضمنی به گفتمان بحران آفرین مطرح می شود که تنگه هرمز را از «برگ برنده» به عاملی برای تورم و کاهش قدرت خرید تبدیل کرده است.

۴. نقش تعیین کننده چین؛ سرنوشت جنگ اقتصادی در پکن

ابوالفتح کارشناس مسائل خارجی می گوید: «سرنوشت جنگ اقتصادی ایران بیش از هر جای دیگری در پکن مشخص می شود.» با وجود مقاومت چین در برابر تحریم های آمریکا، اواز احتمال تغییر محاسبات پکن در صورت شدت گرفتن فشارها سخن می گوید. محاسبات چین فراتر از روابط دوجانبه با تهران، با عواملی چون ثبات خلیج فارس، امنیت هرمز و مناسبات با واشنگتن گره خورده است.

۵. روسیه؛ حمایت یا چانه زنی در سایه اوکراین

به زعم برخی دیگر از کارشناسان وابسته به جریان اصلاح طلبی (آرمان ایرانی) محاسبات روسیه با پرونده اوکراین پیوند دارد. مسکو انگیزه بیشتری برای مخالفت با ابتکارهای غرب دارد، اما از سرگیری گفت و گوبه آمریکا درباره اوکراین بر رفتار روسیه در سایر پرونده ها اثر می گذارد. تجربه تاریخی نشان می دهد چین و روسیه پیش از برجام به قطعنامه های تحریمی علیه ایران رأی مثبت داده اند. به طور مثال رسانه خبرآنلاین اروپا فاقد قدرت چانه زنی در برابر آمریکای داند.

۶. اهمیت متن قطعنامه و ترکیب شورای امنیت

گزارش ها از تلاش غرب برای تصویب قطعنامه علیه ایران در آژانس حکایت دارد. پرسش کلیدی، رفتار چین و روسیه در شورای امنیت است. تفاوت میان قطعنامه ای با تأکید بر همکاری و قطعنامه ای با تحریم های تازه، در محاسبات پکن و مسکو اثرگذار است. ترکیب فعلی شورای امنیت نشان می دهد دستیابی به رأی لازم برای قطعنامه علیه ایران نامحتمل نیست. نکته ای که جریان اصلاحات در

میان رسانه‌های خود سعی بر وارونه‌نمایی از آن دارند

جمع‌بندی: بر ساخت از دوگانه تنگه هرمز تا تنگنای معیشت

تصویر ترسیم‌شده توسط چهره‌های اصلاح‌طلب، حکایت از جنگی ترکیبی و چندلایه دارد که در عرصه دیپلماسی، اقتصاد و معیشت جریان دارد. نقش چین و روسیه، همراه با محاسبات پیچیده آن‌ها در قبال منافع ملی خود، از متغیرهای کلیدی آینده تنش‌هاست. نقد نهایی به گفتمان رروبر (با خاستگاه انقلابی) این است که قدرت واقعی، نه در توانایی بستن یک تنگه، که در توانایی تبدیل ظرفیت‌های ملی به رفاه و ثبات برای مردم خلاصه می‌شود. پرسش پایانی جریان مذکور این است که آیا پکن و مسکو در لحظه تصمیم‌نهایی، مانع قطعنامه علیه ایران خواهند شد یا نظاره‌گر بازگشت ایران به مدار تحریم‌ها خواهند ماند؟

روندها و تحلیل‌های امنیتی، نظامی و دفاعی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ برجسته‌سازی فرسودگی ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن برای تاکید بر اثرگذاری هزینه‌های جنگ ایران بر آمادگی عملیاتی و توان حضور هم‌زمان آمریکا در چند جبهه
- ❖ بازنمایی فشار روانی و لجستیکی بر خدمه ناو لینکلن برای تصویرسازی از فرسایش انسانی ناشی از استقرار طولانی در جنگ ایران
- ❖ برجسته‌سازی کاهش آمادگی ناوگان ریبپر و شتاب پنتاگون برای توسعه پهپادهای ارزان قیمت و تلفات پذیر پس از خسارت‌های جنگ ایران
- ❖ ادراک‌سازی از تغییر دکترین هوایی آمریکا با حرکت از سامانه‌های گران قیمت به سمت تولید انبوه پهپادهای رزمی برای جبران آسیب‌پذیری‌های میدان نبرد
- ❖ بازنمایی توقف توسعه بندر اوچامچیره به عنوان نشانه محدودیت‌های اقتصادی، عملیاتی و امنیتی روسیه در تداوم گسترش حضور دریایی در دریای سیاه
- ❖ برجسته‌سازی افزایش توان حملات دوربرد اوکراین برای زیر سؤال بردن مزیت جغرافیایی پایگاه‌های دریایی روسیه و کاهش امنیت زیرساخت‌های نظامی مسکو
- ❖ انتقال دامنه‌درگیری به زیرساخت‌های انرژی ایران با هدف قرار گرفتن نفتکش در نزدیکی خازک و ایجاد تهدید علیه مسیرهای صادرات نفت تهران
- ❖ بازنمایی آسیب‌پذیری شریان‌های انرژی ایران با تمرکز بر مجاورت حمله به خازک و احتمال گسترش فشار نظامی از اهداف عملیاتی به حوزه اقتصادی
- ❖ آینده‌هراسی درباره تبدیل راهبرد «چمن زنی» آمریکا علیه ایران به جنگ فرسایشی بلندمدت بدون نقطه پایان در خاورمیانه
- ❖ هشدار درباره ناکارآمدی راهبرد مهار بازسازی نظامی ایران با تأکید بر تداوم ظرفیت موشکی، صنعتی و بازدارندگی تهران در برابر حملات دوره‌ای آمریکا

رصد و تحلیل

برجسته‌سازی فرسودگی ناو آبراهام لینکلن برای بازنمایی هزینه‌های جنگ ایران بر آمادگی نظامی آمریکا

ورود ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن به بندر لائوس چابانگ تایلند پس از ۲۸۶ روز استقرار دریایی و حدود ۲۶۴ روز حضور پیوسته در دریا، به سوژه‌ای پررنگ در رسانه‌های غربی و آسیایی تبدیل شده

است؛ حضوری که بیش از دستاوردهای عملیاتی ناو، فرسودگی خدمه، وضعیت ظاهری کشتی و پیامدهای جنگ ایران بر نیروی دریایی آمریکا را در کانون توجه قرار داده است.

بلومبرگ گزارش داده نزدیک به پنج هزار ملوان و تفنگدار دریایی پس از ماه‌ها عملیات، برای نخستین بار فرصت کوتاهی برای استراحت در پاتایا یافته‌اند. این رسانه از کمبود برخی اقلام، قطع ۴۰ روزه اینترنت، افت روحیه، فشار روانی و گزارش‌هایی درباره تلاش برخی خدمه برای پریدن از کشتی سخن گفته است. بدنه زنگ‌زده و آلوده ناو نیز به نمادی تصویری از این استقرار طولانی تبدیل شده؛ هرچند فرمانده ناو، دانیل کیلر، آن را پیامدی طبیعی از عملیات طولانی دانسته است. ان‌بی‌سی نیوز و گاردین نیز با تمرکز بر حضور خدمه در پاتایا، از تلاش آنان برای جبران ماه‌ها محرومیت از غذای مناسب، خرید، ارتباط اجتماعی و استراحت گزارش داده‌اند. در مقابل، حضور هزاران نظامی آمریکایی به رونق موقت اقتصاد گردشگری پاتایا انجامیده؛ شهری که خود به دلیل اختلال پروازها، افزایش هزینه انرژی و پیامدهای جنگ ایران با کاهش گردشگر مواجه شده است. یورونیوز نیز درگیری دو ملوان مست در پاتایا را بازتاب داده و آن‌دی‌تی‌وی هند ظاهر زنگ‌زده لینکلن را نشانه‌ای از فشار استقرار طولانی توصیف کرده است.

نیوزویک نیز اختلاف روایت میان فرماندهان نیروی دریایی و خانواده‌های خدمه درباره شدت کمبودها و بحران روحی را برجسته کرده است.

جمع‌بندی و تحلیل

مجموعه این گزارش‌ها، توقف ناو لینکلن در تایلند را از یک «بازدید بندری» به نمادی از فرسایش ناشی از جنگ طولانی ایران تبدیل کرده است. اهمیت راهبردی موضوع آنجاست که انتقال ناوها و مهمات از اقیانوس آرام به خاورمیانه، هم‌زمان بحث درباره کاهش آمادگی آمریکا در برابر یک بحران احتمالی با چین را تشدید کرده و روایت «توان حضور هم‌زمان در دو جبهه» را زیر فشار قرار داده است.

بازنمایی توقف توسعه پایگاه اوچامچیره به عنوان نشانه محدودیت‌های دریایی و اقتصادی روسیه

نیوزویک با استناد به تصاویر ماهواره‌ای گزارش داده روند توسعه بندر اوچامچیره در آبخازیا که مسکواز سال ۲۰۲۳ آن را به عنوان گزینه‌ای برای ایجاد پایگاه جدید دریایی در دریای سیاه مدنظر داشت، از ابتدای ۲۰۲۶ به طور محسوسی کند شده است. تصاویر شرکت بلک اسکای نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۵ ساخت انبار، ایجاد محوطه‌های محصور، احداث زیرساخت ریلی و عملیات عمرانی در این بندر افزایش یافته بود، اما طی ماه‌های اخیر نشانه‌ای از سرمایه‌گذاری گسترده برای تبدیل

آن به پایگاه عملیاتی ناوگان دریای سیاه مشاهده نمی شود.

این رسانه، فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ، تمرکز مسکو بر جبهه زمینی و افزایش توان حملات دوربرد اوکراین را از عوامل احتمالی کاهش اولویت پروژه دانسته است. با این حال، استقرار موانع شناور دفاعی در ورودی بندر و مشاهده ده ها شناور در اوایل ۲۰۲۶ نشان می دهد روسیه همچنان ارزش نظامی اوچامچیره را کنار نگذاشته است.

ارزیابی کارشناسان مورد استناد نیوزویک این است که افزایش برد پهپادهای اوکراینی مزیت جغرافیایی اوچامچیره را کاهش داده و حتی انتقال شناورها به شرق دریای سیاه نیز دیگر تضمین کننده مصونیت آنها از حملات کی یف نیست.

برجسته سازی فرسایش ناوگان ریپر در جنگ با ایران و شتاب آمریکا برای جایگزینی پهپادهای از دست رفته

میلیتاری تایمز گزارش داده است که تلفات قابل توجه پهپادهای ۹A Reaper-MQ در جنگ با ایران، نیروی هوایی آمریکا را به تسریع برنامه جایگزینی این پهپاد با سامانه ای ارزان تر، مازولار و قابل تولید انبوه واداشته است. کریستوفر نیمی، مسئول نوسازی نیروی هوایی، اذعان کرده آمریکا اگرچه هنوز تعداد قابل توجهی ریپر در اختیار دارد، اما «نرخ از دست رفتن آن ها نگران کننده است».

طبق گزارش، ناوگان ریپر در ماه مه به حدود ۱۳۵ فروند کاهش یافته بود؛ ۵۴ فروند کمتر از کف ۱۸۹ فروندی مورد نیاز نیروی هوایی. گزارش های بعدی نیز از دست کم ۴۵ فروند تلفات در جنگ با ایران، معادل حدود یک چهارم ناوگان حکایت داشت. توقف تولید ۹A-MQ از سال ۲۰۲۵ و هزینه بالای خرید ۹B-MQ نیز امکان جبران سریع این کسری را محدود کرده است.

در نتیجه، نیروی هوایی برنامه «هواگرد مازولار انبوه» (MMA) را شتاب داده و قصد دارد دست کم ۱۸۰ فروند از این پهپادها را با قیمت هدف حدود ۱۰ میلیون دلار برای هر بدنه عملیاتی کند. برنامه ای که نشان می دهد تجربه جنگ با ایران، پنتاگون را به سمت پذیرش تلفات پذیری بیشتر، هزینه کمتر و تولید انبوه پهپادهای رزمی سوق داده است.

انتقال دامنه درگیری به شریان صادرات نفت ایران با هدف قرار گرفتن نفتکش در نزدیکی خارک

رسانه های داخلی از هدف قرار گرفتن یک نفتکش ایرانی در محدوده لنگرگاه جزیره خارک خبر داده اند؛ رخدادی که در صورت تثبیت جزئیات آن، از منظر جغرافیای درگیری و امنیت زیرساخت های انرژی ایران حائز اهمیت است. تسنیم گزارش داده این نفتکش در فاصله حدود شش مایل دریایی از خارک با اصابت چهار پرتابه منتسب به نیروهای آمریکایی هدف قرار گرفته است.

بر اساس روایت منابع محلی، شناور هدف قرار گرفته یک نفتکش کوچک بوده و حادثه تلفات جانی نداشته است. کارکنان نفتکش نیز در حال تخلیه شناور هستند و ارزیابی میزان خسارت ادامه دارد. تاکنون نام نفتکش، نوع پرتابه‌های به کار رفته و علت انتخاب این شناور به عنوان هدف اعلام نشده است. اهمیت اصلی حادثه به وقوع آن در مجاورت خارک بازمی‌گردد؛ جزیره‌ای که یکی از کانون‌های اصلی بارگیری و صادرات نفت ایران محسوب می‌شود. در صورت تکرار چنین حملاتی، فشار نظامی می‌تواند از اهداف صرفاً نظامی به تهدید مستقیم زنجیره انتقال و صادرات انرژی ایران گسترش یابد.

آینده‌هراسی درباره تبدیل راهبرد مهار نظامی ایران به «جنگ ابدی» تازه آمریکا در خاورمیانه

دو پیچه‌وله در مطلبی با عنوان «راهبرد ترامپ در قبال ایران؛ آیا این می‌تواند به یک جنگ ابدی تبدیل شود؟» استراتژی کنونی واشنگتن را الگویی مبتنی بر تخریب دوره‌ای توانمندی‌های بازسازی شده ایران، بدون ورود به جنگ زمینی یا تلاش برای شکست کامل تهران توصیف کرده است. در این چارچوب، اظهارات ترامپ درباره انتظار برای بازسازی رادارهای ایران و سپس هدف قرار دادن آنها، نشانه‌ای از تثبیت الگوی موسوم به «چمن‌زنی» ارزیابی شده است.

به نوشته این رسانه، آمریکا در ماه‌های اخیر بخشی از توان نظامی ایران در تنگه هرمز را کاهش داده و عملیات پاک‌سازی مین‌ها را آغاز کرده، اما دانش فنی، ظرفیت صنعتی و امکان بازسازی سامانه‌های راداری، پدافندی و موشک‌های ضدکشتی همچنان باقی است. بنابراین واشنگتن در چرخه‌ای قرار می‌گیرد که هر مرحله بازسازی ایران، زمینه حمله بعدی را فراهم می‌کند. دو پیچه‌وله همچنین تأکید دارد این راهبرد اساساً برای مقابله با بازیگران غیردولتی طراحی شده و تعمیم آن به کشوری مانند ایران با ظرفیت‌های دولتی، صنعتی و موشکی، می‌تواند هزینه‌های بسیار بیشتری ایجاد کند. تهران برای ایجاد اختلال در هرمز الزاماً نیازی به بستن کامل تنگه ندارد و صرفاً با حفظ ادراک ناامنی می‌تواند هزینه اقتصادی و نظامی قابل توجهی به واشنگتن تحمیل کند.

جمع‌بندی و تحلیل

محور اصلی گزارش دو پیچه‌وله، نمایش تناقض در راهبرد ترامپ است؛ مدلی که با هدف اجتناب از اشغال و «جنگ‌های بی‌پایان» طراحی شده، خود می‌تواند آمریکا را در یک منازعه فرسایشی کم‌شدت و بدون نقطه پایان گرفتار کند. افزون بر این، تکرار حملات ممکن است از نگاه تهران، ضرورت دستیابی به یک بازدارندگی پایدارتر از جمله در حوزه هسته‌ای را تقویت کند؛ در نتیجه، سیاست مهار بازسازی نظامی ایران بالقوه می‌تواند همان تهدیدی را تشدید کند که واشنگتن در پی مهار آن است.

واکنش‌ها و فضا سازی رسانه‌های معاند و ضد انقلاب

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ تلاش جریان نزدیک به رضا پهلوی برای صورت بندی «آلترناتیو آماده» با بازوی سیاسی، حزبی و کارشناسی برای مدیریت دوره گذار پس از ج.ا.ا در محافل اروپایی در کنفرانس «ایران آزاد و اتحادیه اروپا»
- ❖ بر ساخت زمینه بازگشت اعتراضات خیابانی با پیوند فشار معیشتی، نارضایتی طبقات مزد بگیر، ظرفیت سازمان یابی صنفی و تردید افکنی درباره توان مهار اعتراضات توسط ج.ا.ا.
- ❖ القای هراس ج.ا.ا از تبدیل مطالبات معیشتی تشکلهای کارگری به اعتراض سازمان یافته با تاکید بر لزوم ایجاد شبکه‌های نیمه مخفی در این زمینه از سوی ایران اینترنشنال
- ❖ انگاره سازی دویچه وله فارسی آمادگی بستر اجتماعی برای بازگشت اعتراضات خیابانی با برجسته سازی فشار معیشتی، بیکاری جوانان، فرسودگی اجتماعی و نارضایتی طبقات فرودست
- ❖ بازنمایی ادعای سقوط ارتفاعات علی الطاهر به عنوان نماد فروپاشی بازدارندگی منطقه ای ج.ا.ا، بی اعتبار شدن خطوط قرمز تهران در برابر اسرائیل و مقدمه تشدید جنگ اسرائیل علیه ایران
- ❖ مقایسه ادعای سقوط ارتفاعات علی الطاهر با تبلیغات گذشته درباره «شهر موشکی عماد» برای القای فروپاشی اعتبار نظامی و رسانه ای ج.ا.ا.
- ❖ بهره برداری از ادعای سقوط ارتفاعات علی الطاهر برای القای ناتوانی ج.ا.ا در حمایت از حزب الله و رها شدگی مهم ترین نیروی نیابتی تهران
- ❖ تثبیت و تقویت گفتمان مبارزه همزمان با جنگ و سرکوب در نامه فعالان سیاسی، مدنی، حقوق بشری و مخالف جنگ ایرانی در شبکه اپوزسیون

رصد و تحلیل

ارزیابی برگزاری کنفرانس «ایران آزاد و اتحادیه اروپا»؛ تلاش جریان نزدیک به رضا پهلوی برای صورت بندی «آلترناتیو آماده» و بازنمایی امکان اداره ایران پس از ج.ا.ا در محافل اروپایی

کنفرانس «ایران آزاد و اتحادیه اروپا؛ فرصت های اقتصادی و همکاری های راهبردی» روز پنجشنبه ۱۲ شهریور ماه در دوسلدورف آلمان و با حضور مجموعه ای از چهره ها و تشکلهای نزدیک به جریان پهلوی (در شبکه مخالفان ج.ا.ا) برگزار شد. برگزار کنندگان به صورت رسمی، هدف این نشست را بررسی تجارت و سرمایه گذاری، نوسازی فناوری، صنعت و زیر ساخت، حاکمیت قانون، سرمایه انسانی و

همکاری راهبردی ایران و اروپا در «ایران آزاد» عنوان کردند. با این حال، ترکیب سخنرانان و محتوای جلسات نشان می‌دهد این کنفرانس تلاشی برای پیوند زدن پروژه تغییر نظام با ارائه تصویری از دولت‌سازی و بازسازی ایران در تعامل با غرب در فردای براندازی بود.

جریان حاکم بر کنفرانس؛ هم‌افزایی جریان نزدیک به رضا پهلوی و تشکل‌های پادشاهی خواه

ترکیب سیاسی شرکت‌کنندگان در این کنفرانس را طیف نزدیک به رضا پهلوی و جریان‌های سلطنت‌طلب و پادشاهی خواه تشکیل می‌داد. سعید قاسمی نژاد، مدیر «پروژه شکوفایی ایران» و مشاور رضا پهلوی، در کنار تینا قاضی‌مراد از مدیر ارتباطات و رسانه دفتر رضا پهلوی از چهره‌های محوری برنامه بودند. همچنین نمایندگان از حزب مشروطه ایران، حزب ایران نوین و جبهه هفت‌آبان حضور داشتند؛ تشکل‌هایی که در شبکه مخالفان ج.ا.ا در نزدیکی گفتمانی با جریان پادشاهی خواه قرار دارند. فؤاد پاشایی، محمود ابطی، سعید بشیرتاش و نادر زاهدی از چهره‌های نزدیک به پادشاهی خواهی و حامی رضا پهلوی نیز از جمله سخنرانان این کنفرانس بودند. از این منظر، کنفرانس مذکور را می‌توان تلاشی برای گردهم آوردن بازوی سیاسی، حزبی و کارشناسی جریان حامی پهلوی و نمایش آن به عنوان شبکه‌ای دارای برنامه برای دوره گذار از ج.ا.ا ارزیابی کرد.

گفتمان غالب؛ ساخت تصویر «آمادگی برای اداره کشور در فردای براندازی»

❖ سعید قاسمی نژاد، از حلقه اصلی مشاوران رضا پهلوی در حاشیه این نشست به دنبال ترسیم مرحله پس از ج.ا.ا بود و مدعی شد نخستین اولویت پس از تغییر نظام سیاسی در ایران، باید بازسازی «سیستم امنیتی کشور» باشد و امنیت غذایی، انرژی و زیرساخت‌ها را نیز ذیل همین مفهوم قرار داد. قاسمی نژاد سپس رفع تحریم‌ها و بازگشت ایران به مبادلات جهانی را مرحله بعد معرفی کرد. او با این صورت‌بندی سعی داشت جریان نزدیک به رضا پهلوی را نه به عنوان طیفی دارای تصور از اداره کشور، کنترل بحران و بازگرداندن ایران به شبکه اقتصادی غرب صورت‌بندی کند.

❖ لیلا بهمنی، عضو منصوب رضا پهلوی در «کمیته تدوین مقررات عدالت انتقالی» نیز از زاویه حقوقی، ادعای طراحی سازوکار «عدالت انتقالی» در فردای براندازی ج.ا.ا را مطرح کرد و از دادگاه، کمیسیون حقیقت، کمیته تحقیق و «عفو مشروط» به عنوان گزینه‌های مورد بررسی نام برد و تلاش کرد برای نحوه مواجهه با مسئولان، نهادها و بدنه اداری ج.ا.ا در یک دوره گذار، چارچوبی از پیش طراحی شده ارائه دهد.

❖ سعید بشیرتاش، مسئول شورای مرکزی «جبهه هفت‌آبان» اما بر مسئله سازمان سیاسی در دوران گذار از ج.ا.ا تاکید کرد و مدعی شد احزاب باید هم در مرحله تقابل با ج.ا.ا و هم در دوره پس از آن نقش سازمان‌دهنده داشته باشند و «دولت ملی»، انتخابات و نهادهای حزبی را اجزای نظم آینده پس از ج.ا.ا معرفی کرد. این نگاه در واقع تلاش برای پاسخی به یکی از چالش‌های مزمن سلطنت‌طلبان

یعنی فاصله از دموکراسی و تحزب برای فردای براندازی بود.

بخش تخصصی؛ تلاش برای ساخت تصویر «آلترناتیو برخوردار از بازوی کارشناسی»

بخش تخصصی کنفرانس مذکور نیز هم پوشانی آشکاری با «پروژه شکوفایی ایران» داشت؛ پروژه‌ای که رضا پهلوی پیشتر آن را بخشی از راهبرد پنج‌گانه خود برای دوره گذار از ج.ا.ا و بازسازی ایران معرفی کرده بود. سعید قاسمی نژاد، مدیر این پروژه، در کنار شماری از نویسندگان و مشاوران آن از جمله آیدین پناهی در انرژی و صنعت، سحر تحویلی در فناوری و مخابرات، شیرین گلی در محیط زیست و آلن بوستاکیان در مدیریت بحران در کنفرانس حضور داشتند. این چنین، به جریان نزدیک به پهلوی امکان می‌داد پروژه سیاسی خود را برخوردار از پشتوانه کارشناسی و برنامه بخشی برای دوران پس از ج.ا.ا و ساخت تصویر «آلترناتیو دارای برنامه» بازنمایی کند.

برآیند ارزیابی؛ تلاش برای تبدیل اپوزیسیون سیاسی به آلترناتیو مورد پذیرش غرب

کنفرانس دوسلدورف را می‌توان بخشی از تلاش جریان نزدیک به رضا پهلوی برای صورت‌بندی خود به عنوان «آلترناتیو آماده انتقال قدرت برای فرداری براندازی» ارزیابی کرد. تأکید همزمان بر امنیت، عدالت انتقالی، احزاب، اقتصاد، فناوری و همکاری با اروپا، در پی کم‌رنگ کردن تصویر پراکندگی و فقدان برنامه در میان مخالفان ج.ا.ا و تولید تصویری از آمادگی برای اداره کشور بود. در سطح خارجی نیز این نشست می‌تواند کارکرد اعتمادسازی نزد محافل اروپایی، جلب پشتیبانی سیاسی و اقتصادی و عادی‌سازی ایده تعامل غرب با یک ساختار جایگزین ج.ا.ا را دنبال کند.

برساخت رسانه‌های ضد انقلاب از زمینه بازگشت اعتراضات خیابانی با پیوند فشار معیشتی، ظرفیت شکل‌های صنفی و تردید افکنی درباره توان مهار اعتراضات از سوی نظام

از گزارش‌های اخیر منتشر شده توسط ایران اینترنشنال و دویچه وله فارسی، خط رسانه‌ای مشترکی درباره آینده اعتراضات در ایران استنتاج می‌شود که بر تشدید فشار اقتصادی، افزایش نارضایتی طبقات مزدبگیر و اهمیت سازمان‌یابی برای انتقال این نارضایتی به خیابان استوار است. در این زمینه ایران اینترنشنال بر ظرفیت شکل‌های کارگری و دویچه وله فارسی بر شرایط اجتماعی لازم برای بازگشت اعتراضات تمرکز کرده‌اند.

❶ ایران اینترنشنال با طرح ادعای افزایش فشار امنیتی بر فعالان کارگری، معلمان و تشکل‌های صنفی، این گزاره ادعایی را نشانه نگرانی ج.ا.ا از تبدیل مطالبات معیشتی به اعتراض سازمان‌یافته معرفی کرده و با برجسته‌سازی شکاف میان دستمزد حدود ۲۴ میلیون تومانی و برآورد ۹۰ میلیون تومانی هزینه زندگی و مقایسه شرایط ایران با نقش اتحادیه‌ها و اعتصابات کارگری در تونس و مصر، مدعی است تشکل‌های کارگری موجود می‌توانند زیرساخت سازمان‌دهی موج‌های بعدی اعتراض

باشند. ایران اینترنشنال صریحاً بر پیوند اعتراضات و شکل‌گیری ساختارهای شبکه‌ای، نیمه مخفی و هسته‌های کوچک تأکید و عملاً تشکل‌یابی سازمان‌یافته را به عنوان راهکار عبور از پراکندگی اعتراضات صنفی و تبدیل مطالبات معیشتی به فشار سیاسی معرفی کرده است.

❖ در سوی دیگر دویچه‌وله فارسی در گزارش خود با اشاره به تورم، بیکاری، کاهش ارزش پول و ادعای گسترش فقر، رابطه میان فشار اقتصادی و اعتراض راپیچیده‌تر بازنمایی کرده است؛ به این معنا که فقر از یک سوانگیزه اعتراض را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر با گرفتار شدن جامعه در «بقای روزمره»، ظرفیت حضور مستمر در خیابان کاهش می‌یابد. این رسانه شرایط فعلی را نوعی «سکوت میان دوره» زیر سایه جنگ و فرسودگی اجتماعی توصیف کرده، اما جوانان بیکار و طبقات فرودست را دارای ظرفیت بازگشت به اعتراض دانسته است.

القای فروپاشی بازدارندگی منطقه‌ای ج.ا.ا و ناتوانی نظام در حمایت از نیروهای نیابتی خود در منطقه توسط کاربران معاند در پی تحولات نظامی در ارتفاعات علی‌الطاهر

تحولات مرتبط با ارتفاعات علی‌الطاهر در دوروز گذشته یکی از کانونی‌ترین موضوعات در فضای رسانه‌ای فارسی‌زبان بوده است. در این میان کاربران ضد انقلاب و معاند با اعتباربخشی به ادعای صهیونیست‌ها مبنی بر سقوط این ارتفاعات و اشراف کامل ارتش این رژیم بر این منطقه، به دنبال القای فروپاشی بازدارندگی منطقه‌ای ج.ا.ا، بی‌اعتبارسازی خطوط قرمز ج.ا.ا و ناتوانی آن در حمایت از حزب‌الله در برابر پیشروی‌های رژیم صهیونیستی هستند.

در همین رابطه کاربران مخالف ج.ا.ا ارتفاعات علی‌الطاهر را «نماد شکست راهبرد منطقه‌ای و فرسایش بازدارندگی تهران» بازنمایی می‌کنند. محور اصلی روایت‌سازی این کاربران مقایسه تبلیغات گذشته ج.ا.ا درباره «شهر موشکی عماد»، شبکه تونل‌ها و نفوذ ناپذیری مواضع حزب‌الله با ادعای تصرف کنونی این منطقه توسط ارتش رژیم صهیونیستی است تا از این تضاد، تصویری از فروپاشی اعتبار تبلیغاتی و نظامی ج.ا.ا ساخته شود. هم‌زمان هزینه‌های ادعایی ساخت تونل‌ها و زیرساخت‌های حزب‌الله به «پول مردم ایران» پیوند زده شده و با طرح ادعای تامین هزینه‌های ساخت این زیرساخت‌ها توسط ج.ا.ا، این کاربران سعی دارند ادعای از دست رفتن این ارتفاعات استراتژیک، به ناکارآمدی داخلی و مشکلات معیشتی متصل کنند.

در لایه دیگری کاربران ضد انقلاب سکوت یا واکنش محدود رسانه‌های رسمی و مقامات ایرانی به ادعای سقوط ارتفاعات علی‌الطاهر را به عنوان نشانه ترس ج.ا.ا از ورود مستقیم به جنگ با اسرائیل، ناتوانی در حمایت از حزب‌الله و رها کردن مهم‌ترین نیروی نیابتی تهران تفسیر می‌کنند و مدعی هستند سقوط ادعایی این ارتفاعات مقدمه‌ای برای آزاد شدن دست اسرائیل جهت تشدید فشار یا حملات بعدی علیه خود ایران است. علاوه بر آن برخی از کاربران تلاش دارند از رخداد های

ارتفاعات علی الطاهر، برای ساخت انگاره «شکاف در بدنه حامیان نظام، تضعیف جایگاه رهبر انقلاب و فرماندهان و فرسایش مفهوم خطوط قرمز در ج.ا.ا» استفاده کنند.

تثبیت و تقویت گفتمان مبارزه همزمان با جنگ و سرکوب در نامه فعالان سیاسی، مدنی، حقوق بشری و مخالف جنگ ایرانی در شبکه اپوزسیون

نامه «همبستگی فراسوی جبهه‌های عقیدتی» با امضای شماری از زندانیان سیاسی سابق، فعالان حقوق بشر، نویسندگان، دانشگاهیان و کنشگران مدنی اپوزسیون داخل و خارج کشور در حمایت از نامه سرگشاده‌ای که حدود دو هفته قبل با عنوان «خطاب به زندانیان سیاسی ایران، گرفتار میان دولبه یک قیچی» توسط فعالان دانشگاهی، روشنفکری و فعالان چپ و ضد جنگ بین‌المللی در روزنامه گاردین منتشر شده بود، تلاش کرده است روایتی مستقل از دوگانه «حمایت از ج.ا.ا یا حمایت از مداخله خارجی» ارائه کند.

نامه منتشر شده در گاردین با تمرکز بر وضعیت زندانیان سیاسی ایران، بر این گزاره تأکید داشت که مردم ایران نباید میان فشار و مداخله خارجی از یک سو و سرکوب داخلی از سوی دیگر ناچار به انتخاب باشند. حال در نامه‌ای که اپوزسیون ایرانی در حمایت از نامه مذکور منتشر کردند، با تکرار استعاره «دولبه یک قیچی»، و اشاره به سابقه مداخلات خارجی در تاریخ معاصر ایران و همچنین ادعای اعدام زندانیان سیاسی، محدودیت جامعه مدنی و سرکوب گروه‌های اجتماعی در ایران، روایت «مبارزه همزمان با جنگ و سرکوب» را به عنوان چارچوب گفتمانی خود تثبیت کرده و مسئله زندانیان سیاسی را در کانون یک روایت گسترده‌تر درباره آینده سیاسی ایران قرار داده است.

امضاکنندگان نامه جدید، شامل زندانیان سیاسی سابق، کنشگران حقوق بشر، نویسندگان، دانشگاهیان، هنرمندان و اعضای جامعه مدنی اپوزسیون ج.ا.ا در داخل و خارج کشور هستند و در میان آن‌ها نام افرادی چون تورج اتابکی، آتنا دائمی، فرج سرکوهی، حسین رزاق، سعید پیوندی، رضا خندان و غیره دیده می‌شوند که بخشی از جریان‌های منتقد ج.ا.ا با گرایش‌های حقوق بشری، صنفی، چپ و دانشگاهی را نمایندگی می‌کنند.

خلاصه مدیریتی - مهم ترین محورهای رسانه ای

- ❖ برجسته سازی عبور دلار آزاد از ۲۲۱ هزار تومان برای بازنمایی تشدید نااطمینانی سیاسی و افزایش انتظارات تورمی در اقتصاد ایران
- ❖ تأکید بر شکاف ۶۰ هزار و ۵۰۰ تومانی دلار آزاد و توافقی برای طرح پیامدهای رانتهی نظام چندنرخ و کاهش انگیزه بازگشت ارز صادراتی
- ❖ بازنمایی هم جهتی قیمت تتر با دلار آزاد برای اعتباربخشی به نقش بازار غیررسمی در تعیین انتظارات ارزی
- ❖ پررنگ سازی سرایت جهش ارز به طلا، خودرو، دارو و کالاهای وارداتی برای القای تبدیل دلار آزاد به مبنای عمومی باز قیمت گذاری
- ❖ گمانه زنی درباره اصلاح ۱۰ تا ۱۵ درصدی ارز و طلا در صورت تفاهم سیاسی برای برجسته سازی سهم ریسک جنگ در قیمت های کنونی
- ❖ متهم سازی بانک های ناتراز به انتقال زیان خصوصی به پایه پولی و تحمیل تورم عمومی به اقتصاد ایران
- ❖ برجسته سازی احتمال موهوم بودن ۴۰ درصد دارایی بانک ها برای القای ضعف عمیق تر از نامه ای شبکه بانکی
- ❖ اعتبارزدایی از سیاست پولی با تأکید بر نرخ بهره حقیقی منفی و تبدیل تسهیلات بانکی به رانت اقتصادی
- ❖ بازنمایی زنجیره اضافه برداشت بانک ها، رشد نقدینگی و خروج سپرده ها به بازار ارز و طلا به عنوان سازوکار بازتولید تورم
- ❖ تشکیک در بازدارندگی بانک مرکزی با تمرکز بر اعلام نشدن نام بانک های اخلاک گر ارزی، نوع تخلف و میزان جریمه آن ها
- ❖ آینده هراسی از افزایش قیمت بنزین با انتشار هم زمان روایت های کنار گذاشتن گرانی، بنزین ۱۰ هزار تومانی و نرخ سوم ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومانی
- ❖ فضا سازی درباره انتقال نااطمینانی بنزینی به هزینه های حمل و نقل و خدمات پیش از اتخاذ هرگونه تصمیم رسمی
- ❖ تشکیک در اثربخشی افزایش قیمت با برجسته سازی کشش ۹ درصدی تقاضا و محدودیت خانوارها در کاهش مصرف
- ❖ برجسته سازی تفاوت مصرف درون دهک های درآمدی برای نقد میانگین های آماری و بازنمایی

- آسیب پذیری خانوارهای کم درآمد وابسته به خودرو
- ❖ آینده هراسی از سرایت شوک سوخت و نهاده‌ها به قیمت گوشت و لبنیات با تأکید بر جهش چهاربرابری قیمت سبوس
- ❖ بازنمایی دوگانه تداوم انتقال محموله‌های بزرگ و کاهش شمار شناورهای عبوری برای رد تصویر توقف کامل یا عادی شدن جریان انرژی
- ❖ برجسته سازی انتقال ۲۴ میلیون بشکه و انباشت بیش از هفت میلیون بشکه نفت در صف عبور برای القای افزایش اختلال عملیاتی در هرمز
- ❖ تشکیک در قابلیت اتکای اسکورت آمریکا با تمرکز بر انصراف نفتکش گاز مایع «الغشامیه» از همراهی با کاروان قطری
- ❖ تأکید بر رشد نفت برنت، نفت آمریکا و نفت امارات برای بازنمایی ورود ریسک مسیر، بیمه، زمان تحویل و دسترسی به کشتی در قیمت انرژی
- ❖ بازنمایی افزایش قیمت گازوئیل آمریکا نسبت به سال گذشته برای نشان دادن انتقال هزینه اختلال هرمز به حمل و نقل و خرده فروشی
- ❖ تشکیک در امکان بازگشت نفت به محدوده ۵۰ تا ۶۰ دلار با منوط کردن آن به کاهش تنش، عبور پایدار کشتی‌ها وافت هزینه بیمه
- ❖ برجسته سازی انتقال کارزار تحریمی آمریکا از نهادهای ایرانی به بانک‌ها، شرکت‌ها و کشورهای واسطه برای افزایش هزینه همکاری با تهران
- ❖ تحریف حمایت سیاسی اروپا به عنوان پیوستن رسمی به کارزار واشنگتن و تعدیل این روایت با تکذیب کمیسیون اروپا
- ❖ مقایسه جهت دار سرمایه گذاری چین در ایران و عربستان برای اعتبارزدایی از ادبیات شراکت راهبردی تهران و پکن
- ❖ بازنمایی چین به عنوان شریک راهبردی اما نه متحد جنگی ایران برای برجسته سازی اولویت امنیت انرژی پکن بر حمایت نامحدود از تهران
- ❖ گمانه زنی درباره همسویی پاکستان با محدودیت های تجاری آمریکا با تمرکز بر تعرفه کامیون ها واخلال در مسیرهای ترانزیتی
- ❖ آینده هراسی از اخلال هم زمان در کانال های مالی، حمل و نقل و تسویه برای القای احتمال تبدیل فشار تحریمی به کمبود کالا
- ❖ ادراک سازی از انتقال رکود تورمی به مصرف ضروری خانوار با برجسته سازی رشد ۴۰ درصدی فروش لوازم خانگی دست دوم

- ❖ بازنمایی مهاجرت تقاضا از کالای نوبه تعمیر، کالای دست دوم و بازارچه های مرزی به عنوان پیامد جهش نرخ ارز و افت قدرت خرید
- ❖ برجسته سازی افزایش سه تا پنج برابری قیمت برخی داروها برای القای تشدید فشار درمانی بر خانوارها
- ❖ آینده هراسی از تبدیل بحران سرمایه در گردش داروخانه ها به کمبود فیزیکی دارو و اختلال در دسترسی بیماران مزمن
- ❖ تأکید بر افزایش تعرفه درمان خصوصی و هزینه جراحی ها برای بازنمایی رشد پرداخت مستقیم از جیب خانوار
- ❖ بازنمایی هم زمان ضعف ریال، گرانی جهانی غذا و جهش نهاده های داخلی برای القای سرایت رکود تورمی به نیازهای غیرقابل حذف
- ❖ برجسته سازی چرخش بازار از ۲۵ همت صف فروش به ۱۷ همت صف خرید برای بازنمایی غلبه رفتار هیجانی بر معاملات بورس
- ❖ تصویرسازی مثبت از عبور شاخص کل از ۶.۶ میلیون واحد با تمرکز بر سبز شدن ۸۶ درصد نمادها و افزایش ارزش تقاضا
- ❖ تشکیک در واقعی بودن رشد بورس با تأکید بر تأثیر کاهش ارزش پول و افزایش نرخ تسعیر بر سوداسمی صادرکنندگان
- ❖ آینده هراسی از ناپایداری صعود بازار با برجسته سازی تداوم ریسک جنگ، دعاوی مالی و افزایش هزینه تأمین مواد اولیه
- ❖ اعتبارزدایی از شفافیت هلدینگ های بزرگ با تمرکز بر بدهی خوراک، محکومیت دلاری، زیان خارجی و سودهای درون گروهی
- ❖ آینده هراسی از تبدیل کاهش درآمد ارزی و تداوم محاصره به کمبود کالاهای اساسی، دارو و سوخت در ایران
- ❖ برجسته سازی برآوردهای متفاوت درباره سقوط درآمد نفتی برای ادراک سازی از محدود شدن شدید منابع ارزی کشور
- ❖ تشکیک در قطعیت آمارهای کاهش درآمد نفتی با اشاره به اختلاف ارقام و روایت متقابل ورود ارز نفتی به ذخایر کشور
- ❖ بازنمایی اتصال شکاف ارزی، ناترازی بانکی، اختلال تجارت و نااطمینانی بنزینی به عنوان زمینه اختلال در عرضه و توزیع کالا
- ❖ تأکید بر فاصله تورم ماهانه ایران با تعریف فنی ابرتورم برای انتقال محور هشدار از فروپاشی قیمتی

به محدودیت دسترسی خانوارها

- ❖ برجسته سازی زیان ۱۰۲.۹ میلیون دلاری پی وی اچ برای بازنمایی سرایت آثار جنگ ایران از انرژی و حمل و نقل به بازار جهانی پوشاک
- ❖ تأکید بر افت شش درصدی فروش در اروپا، خاورمیانه و آفریقا برای نشان دادن آسیب پذیری بازارهای در معرض تورم و نااطمینانی جنگ
- ❖ مقایسه افت فروش در اروپا و آمریکا با رشد آسیا. اقیانوسیه برای برجسته سازی جغرافیای نامتوازن انتقال شوک جنگ
- ❖ تشکیک در تصویر فروپاشی عملیاتی شرکت با اشاره به عبور سود تعدیل شده و درآمد از پیش بینی تحلیلگران
- ❖ بازنمایی تجارت الکترونیک و کارزارهای تبلیغاتی به عنوان سپری برای جبران ضعف فروش حضوری و کاهش اعتماد مصرف کننده
- ❖ آینده هراسی از تداوم رکود تقاضای مصرفی با تمرکز بر تثبیت چشم انداز بدون رشد درآمد و پیش بینی سود کمتر از انتظار بازار
- ❖ هراس افکنی نیویورک پست از پایان ذخایر بنزین ایران طی دو ماه برای ایجاد ضرب الاجل روانی درباره بحران توزیع سوخت
- ❖ تصویرسازی منفی از اقتصاد ایران با استفاده از تعبیر «سقوط آزاد»، «فاجعه اقتصادی» و «تحریم های فلج کننده»
- ❖ برجسته سازی آسیب زیرساخت های پالایشی و کمبود منابع تعمیراتی برای القای اجبار ایران به واردات بنزین
- ❖ اعتبار بخشی به «عملیات پردشگی اقتصادی» آمریکا با بازنمایی محدودیت صادرات نفت و مراودات مالی به عنوان حلقه محاصره ایران
- ❖ پیوند فشار معیشتی با اجبار سیاسی از طریق برجسته سازی نرخ ارز، تورم، بیکاری و کاهش قدرت خرید خانوارهای ایرانی
- ❖ ادراک سازی از بسته شدن مسیرهای تنفسی اقتصاد ایران با تمرکز بر همکاری چین، امارات و تهدید شرکای تجاری تهران
- ❖ برجسته سازی افزایش موقعیت خالص صعودی نفت برنت به ۲۶۱ هزار و ۴۳۵ قرارداد برای بازنمایی بازگشت انتظارات افزایشی به بازار
- ❖ بازنمایی حملات آمریکا، پاسخ های ایران و هدف گیری شناورها به عنوان عوامل احیای نگرانی درباره تداوم اختلال در تنگه هرمز

- ❖ تشکیک در سناریوی آرامش و احیای کشتیرانی با تأکید بر رشد موقعیت های خرید نفت آمریکا به بالاترین سطح از ژوئن
- ❖ برجسته سازی سرایت فشار صعودی از نفت خام به گازوئیل و بنزین برای القای فراگیر شدن شوک جنگ در بازار فرآورده ها
- ❖ آینده هراسی از تثبیت صرف ریسک جنگ در قیمت نفت، سوخت و انتظارات تورمی حتی بدون توقف کامل عرضه
- ❖ آینده هراسی دویچه وله از تبدیل کاهش صادرات نفت عراق به بحران مالی، تأخیر حقوق و گسترش اعتراضات معیشتی
- ❖ برجسته سازی وابستگی ۸۵ تا ۹۰ درصدی بودجه عراق به نفت برای القای شکنندگی ساختار مالی این کشور
- ❖ مقصرنمایی انسداد تنگه هرمز در سقوط صادرات، کاهش درآمد دولت، افت مصرف خانوار و محدود شدن خدمات عمومی عراق
- ❖ تشکیک در توان ذخایر ۸۳ میلیارد دلاری عراق برای جبران طولانی مدت شکاف میان درآمد دولت و هزینه حقوق و حمایت های اجتماعی
- ❖ ادراک سازی از ناکارآمدی مسیرهای جایگزین صادرات نفت با تأکید بر ظرفیت محدود خطوط ترکیه، سوریه و لبنان
- ❖ آینده هراسی از اتصال تأخیر حقوق، کمبود برق، تورم و افت خدمات و تبدیل اعتراضات پراکنده به بحران سیاسی فراگیر
- ❖ برجسته سازی تحریم بانک گلدن گلوبال ترکیه به عنوان نشانه انتقال فشار آمریکا از ایران به واسطه های مالی کشورهای ثالث
- ❖ ادراک سازی از فراگیری نظارت خزانه داری آمریکا برای هراس افکنی درباره هزینه همکاری بانک ها، صرافی ها و شرکت های کشتیرانی با ایران
- ❖ بازنمایی یک بانک کوچک به عنوان «شریان مالی ایران» برای دستاورد سازی از آغاز عملیات طرد اقتصادی
- ❖ تشکیک بلومبرگ در دامنه اثرگذاری کارزار با تأکید بر سرمایه محدود بانک هدف و توصیف آغاز عملیات به عنوان اقدامی کم فروغ
- ❖ تحریف استقبال سیاسی اروپا به عنوان پیوستن رسمی به کارزار آمریکا و افشای شکاف این روایت با موضع کمیسیون اروپا
- ❖ اعتبارزدایی از کارآمدی فشار و اشنگتن با برجسته سازی مصون ماندن تقاضای نفتی چین و

محدود بودن اقدامات علیه شرکای بزرگ ایران

آینده هراسی از قطع درآمد نفتی و کاهش ذخایر ارزی برای افزایش ریسک حقوقی و اعتباری هرگونه همکاری اقتصادی با تهران

رصد و تحلیل

برجسته سازی جهش دلار و بازنمایی نرخ آزاد به عنوان قیمت مرجع اقتصاد ایران

دلار آزاد در فاصله کمتر از یک هفته از محدوده ۲۰۰ هزار تومان عبور کرد و روز چهارشنبه ۱۲ شهریور معاملات را در نرخ ۲۲۱ هزار و ۱۱۰ تومان به پایان رساند. در همین رابطه اقتصادنیوز گزارش داد که بازار با شکاف مثبت چهار هزار و ۲۷۰ تومانی و نرخ ۲۱۸ هزار و ۶۵۰ تومان بازگشایی شده است؛ تجارت نیوز نیز از افزایش حدود ۲۱ هزار تومانی قیمت طی یک هفته و رشد ۵۶ هزار تومانی از آغاز جنگ خبر داده است.

شکاف ۶۰ هزار تومانی دو بازار

هم زمان، نرخ فروش دلار توافقی و حواله در محدوده ۱۶۰ هزار و ۵۰۲ تومان قرار گرفته و نرخ خرید آن ۱۵۹ هزار و ۵۷۰ تومان اعلام شده است. بر این اساس، فاصله دلار آزاد با نرخ توافقی به حدود ۶۰ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده و قیمت بازار آزاد نزدیک به ۳۸ درصد بالاتر است. چنین شکافی علاوه بر ایجاد رانت در تخصیص ارز، انگیزه بازگشت ارز صادراتی را کاهش می دهد و هزینه واردات بدون دسترسی به ارز رسمی را افزایش می دهد.

محمد مودن، کارشناس بازارهای مالی، در گفت و گو با تجارت نیوز، نرخ آزاد را پیش ران سایر نرخ ها معرفی کرده است:

«دلار آزاد از نظر قیمت گذاری پیش رو است و دلار توافقی پشت سر آن حرکت می کند.»

قیمت ۲۲۰ هزار و ۱۵۰ تومانی تتر نیز نشان می دهد بازار رمزارز بیش از نرخ توافقی، خود را با دلار آزاد هماهنگ کرده است. اقتصاد ۲۴ هم زمان ارزش بازار جهانی رمزارزها را ۲۰۶۸ تریلیون دلار و شاخص ترس و طمع را ۷۴ اعلام کرده است.

سرایت به طلا و خودرو

با وجود افت یک تا ۱۰ درصدی طلای جهانی و معامله آن در محدوده ۴۴۱۹ تا ۴۴۳۰ دلار، افزایش نرخ ارز اثر کاهشی بازار جهانی را خنثی کرده است. طلای ۱۸ عیار وارد کانال ۲۳۰۵ میلیون تومان شده و سکه نیز رکوردهای تازه ای ثبت کرده است. در بازار خودرو، تجارت نیوز از افزایش روزانه ۶ میلیون تومانی تارا اتوماتیک توربو و رشد ۳۵۰ میلیون تومانی تیگو ۹ خبر داده است.

علی سعدوندی در گفت و گو با اقتصادنیوز احتمال داده است که در صورت شکل گیری تفاهم

سیاسی، بازارهای ارز و طلا با اصلاح ۱۰ تا ۱۵ درصدی مواجه شوند. این ارزیابی نشان می‌دهد بخش مهمی از قیمت‌های فعلی، علاوه بر تورم انباشته، حامل صرف ریسک جنگ و نااطمینانی سیاسی است. در وضعیت کنونی، نرخ آزاد به شاخص انتظارات عمومی و مبنای بازقیمت‌گذاری طلا، خودرو، دارو و کالاهای وارداتی تبدیل شده است.

واکاوای نقش شبکه بانکی در بازتولید تورم ساختاری و فرار نقدینگی به بازار دارایی‌ها توسط رسانه‌های اقتصادی

مجموع مطالب منتشرشده درباره ناترازی بانک‌ها، نرخ بهره حقیقی منفی و رشد نقدینگی، شبکه بانکی را به عنوان یکی از کانون‌های اصلی تورم ساختاری معرفی می‌کند. سعید لیلانز در گفت‌وگو با همشهری مدعی شده است نزدیک به دوسوم تورم ایران از ناترازی شبکه بانکی ناشی می‌شود و احتمال دارد حدود ۴۰ درصد دارایی ثبت‌شده بانک‌ها فاقد ارزش واقعی باشد.

لیلانز در تشریح ابعاد این مسئله گفته است:

«وقتی نرخ سود بانکی به شکل معناداری پایین‌تر از نرخ تورم باشد، گرفتن تسهیلات بانکی می‌تواند به یک رانت اقتصادی تبدیل شود. ایران سال‌هاست اصلاحات دشوار را به تأخیر انداخته و اصلاحاتی که می‌توانست با هزینه کمتری انجام شود، اکنون به تصمیم‌های بسیار سخت تبدیل شده است. نمی‌توان هر چند سال یک بار جامعه را در معرض شوک قیمتی قرار داد و از آن انتظار ثبات داشت.»

سرمقاله پویا جیل عاملی در دنیای اقتصاد نیز سازوکار مشابهی را توضیح می‌دهد: عدم تطابق منابع و مصارف بانک‌ها، آن‌ها را به اضافه برداشت و تأمین مالی از بانک مرکزی وابسته می‌کند؛ منابع ایجادشده به رشد متغیرهای پولی می‌انجامد و اثر نرخ سیاستی را کاهش می‌دهد.

زنجیره فشار پولی

- ❖ شناسایی دارایی‌های کم‌ارزش یا موهوم در ترازنامه بانک‌ها
- ❖ تشدید کسری منابع و افزایش وابستگی به بانک مرکزی
- ❖ انتقال زیان بانکی به پایه پولی و نقدینگی
- ❖ منفی‌تر شدن نرخ بهره حقیقی در اثر تداوم تورم
- ❖ خروج سپرده‌ها به بازار ارز، طلا و سایر دارایی‌ها

در همین پرونده، برخی کانال‌های خبری اقتصادی ارقام ۵۰۰ همت زیان و ۷۵۰ همت بدهی را درباره بانک آینده منتشر کرده‌اند. در همین راستا روزنامه کیهان نیز از بانک مرکزی به دلیل اعلام نکردن نام بانک‌های اخلاک‌گرا بازار ارز، نوع تخلف و میزان جریمه انتقاد کرده است. این ابهام، اطلاعیه

نظارتی بانک مرکزی را از کارکرد بازدارنده تهی کرده و زمینه طرح ادعای برخورد دوگانه با بانک‌های متخلف را فراهم ساخته است.

محورهای رسانه‌ای برجسته در این روند:

- ❖ طرح اتهام علیه بانک‌های ناتراز به عنوان عامل انتقال زیان خصوصی به پایه پولی و تورم عمومی
- ❖ اعتبارزدایی از سیاست پولی با برجسته‌سازی نرخ بهره حقیقی منفی و تخصیص رانتی اعتبار
- ❖ تشکیک در بازدارندگی بانک مرکزی با تمرکز بر حذف نام بانک‌های اخلاک‌گرا

آینده‌هراسی از شوک بنزینی با انتشار هم‌زمان سه روایت متعارض درباره قیمت سوخت

فضای رسانه‌ای حوزه انرژی در روزهای اخیر تحت تأثیر سه روایت متفاوت درباره قیمت بنزین قرار گرفته است:

الف) کنار گذاشته شدن افزایش قیمت

ب) احتمال عرضه بنزین ۱۰ هزار تومانی از مهر

ج) پیشنهاد ایجاد نرخ سوم ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومانی

هیچ‌یک از دو نرخ جدید در قالب تصمیم نهایی و رسمی دولت تثبیت نشده، اما تکرار هم‌زمان آن‌ها نااطمینانی هزینه‌ای را به بازار حمل و نقل و خدمات منتقل کرده است.

میلاد بیگی، پژوهشگر انرژی، با اشاره به کشش پایین تقاضای بنزین گفته است:

«کشش قیمتی مصرف بنزین حدود ۹ درصد است؛ یعنی افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت مؤثر، مصرف را فقط حدود ۹ درصد کاهش می‌دهد.»

این برآورد، اثربخشی محدود شوک قیمتی را نشان می‌دهد؛ زیرا ناوگان فرسوده، ضعف حمل و نقل عمومی و وابستگی شغلی بخشی از خانوارها به خودرو، امکان کاهش سریع مصرف را محدود کرده است. داده‌های دنیای اقتصاد نیز آسیب‌پذیری درون دهکی را برجسته می‌کند. اگرچه ۷۴ درصد خانوارهای دهک اول بنزین مصرف نمی‌کنند، ۱۰ درصد پرمصرف همین دهک ماهانه بیش از ۱۵۰ لیتر مصرف دارند. بنابراین میانگین مصرف یک دهک، تفاوت میان خانوار فاقد خودرو و خانوار کم‌درآمد وابسته به خودرو را پنهان می‌کند.

هم‌زمان، جواد ابراهیمی، مدیرعامل اتحادیه مرکزی دامداران، از افزایش قیمت سبوس از ۹ هزار به ۳۹ هزار تومان خبر داده است. این جهش چهاربرابری نشان می‌دهد شوک هزینه در زنجیره انرژی و نهاده‌ها می‌تواند از مسیر حمل و نقل و خوراک دام به قیمت گوشت و لبنیات منتقل شود.

در نتیجه، مناقشه بنزین پیش از هر تصمیم رسمی نیز به یکی از متغیرهای شکل‌دهنده انتظارات

تورمی تبدیل شده است.

بازنمایی تنگه هرمز به عنوان کانون بازقیمت‌گذاری نفت، بیمه و امنیت انرژی جهان

داده‌های تردد و انتقال نفت در دریای عمان و تنگه هرمز، تصویری دوگانه از جریان انرژی ارائه می‌کند. تاکنون تمرکز از انجام ۱۷ عملیات کشتی به کشتی و انتقال حداقل ۲۴ میلیون بشکه نفت و گاز در دریای عمان خبر داده است. در مقابل، داده‌های کپلر و گزارش‌های کشتیرانی از کاهش شدید تعداد کشتی‌های عبوری حکایت دارد؛ به گونه‌ای که در یکی از روزها فقط پنج شناور و روز بعد شش شناور حامل کالا از تنگه عبور کرده‌اند.

تفاوت تعداد کشتی‌ها و حجم محموله‌ها

❖ در برخی روایت‌ها از عبور بیش از ۱۷ میلیون بشکه نفت در یک روز خبر داده شده است. این رقم لزوماً با کاهش شمار شناورها تعارض ندارد؛ زیرا «تعداد کشتی»، «ظرفیت محموله»، تردد شناورهای دارای سامانه شناسایی خاموش و عملیات انتقال کشتی به کشتی، شاخص‌های متفاوتی هستند. از سوی دیگر، تکرار آمار انتقال ۲۴ میلیون بشکه و تجمع ۷ تا ۷.۲۵ میلیون بشکه نفت در انتظار عبور، به یکی از خطوط غالب پوشش رسانه‌ای تبدیل شده است.

❖ کپلر همچنین از قرارگرفتن ۷.۲۵ میلیون بشکه نفت و دو کشتی حامل گاز مایع در صف عبور خبر داده است. انصراف نفتکش گاز مایع «الغشامیه» از همراهی با مجموعه پنج کشتی قطری نیز در گزارش‌های کپلر، منچ اوسینت و رسانه‌های داخلی بازتاب یافته است. این خبر از سوی بخشی از رسانه‌ها برای تشکیک در قابلیت اتکای اسکورت آمریکا و برجسته‌سازی تداوم ناامنی در مسیرهای دریایی مورد استفاده قرار گرفته است.

ریسک هرمز روی تابلو قیمت

❖ در سوی دیگر، نفت آمریکا طی یک هفته حدود ۱۱ درصد و نفت برنت نزدیک به هشت درصد افزایش قیمت داشته است. برنت در محدوده ۹۵.۶۵ تا ۹۶.۵ دلار، نفت آمریکا در محدوده ۹۰.۳۵ تا ۹۱.۵ دلار و نفت امارات در سطح ۱۰۲.۲ دلار گزارش شده است. این اختلاف نشان می‌دهد هزینه جنگ فقط در قیمت پایه نفت منعکس نمی‌شود و ریسک مسیر، حق بیمه، زمان تحویل و دسترسی به کشتی نیز در قیمت نهایی محموله‌ها نقش دارد.

❖ اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در اظهارات اخیر خود هدف دولت ترامپ را بازگرداندن قیمت نفت به محدوده ۵۰ دلار عنوان کرده است. دن برویل نیز در گفت‌وگو با فاکس بیزنس برآورد کرده که بازگشایی کامل هرمز می‌تواند قیمت نفت را به محدوده ۵۰ تا ۶۰ دلار بازگرداند. تحقق این سناریو، علاوه بر کاهش تنش نظامی، به عبور پایدار کشتی‌ها، کاهش هزینه بیمه و بازگشت واقعی

عرضه به بازار وابسته است.

برخی منابع نیز دورقم متفاوت ۵.۶۹ و ۵.۸۵ دلار را برای قیمت هر گالن گازوئیل در آمریکا مطرح کرده‌اند. فارغ از اختلاف این دورقم، مقایسه آن‌ها با قیمت ۳.۷۱ دلاری سال قبل، از انتقال هزینه اختلال در عرضه انرژی به حمل و نقل و خرده‌فروشی آمریکا حکایت دارد.

جمع‌بندی

مجموع داده‌های رصد شده پیرامون وضعیت تردد در تنگه هرمز، ترنسفر نفت و قیمت نفت و گازوئیل نشان می‌دهد تنگه هرمز دیگر صرفاً بر اساس تعداد شناورهای عبوری ارزیابی نمی‌شود، بلکه به کانون بازقیمت‌گذاری مجموعه‌ای از ریسک‌های به هم پیوسته تبدیل شده است. تداوم انتقال نفت در حجم‌های بالا مانع از شکل‌گیری تصویر توقف کامل جریان انرژی می‌شود، اما کاهش تردد عادی، تراکم محموله‌های معطل، افزایش عملیات کشتی به کشتی و تردید نسبت به کارآمدی اسکورت‌ها، هزینه دسترسی به انرژی را بالا نگه می‌دارد. در این چارچوب، هر تحول نظامی یا اختلال عملیاتی در هرمز، علاوه بر قیمت نفت، مستقیماً نرخ بیمه، کرایه حمل، زمان تحویل، قیمت سوخت و انتظارات تورمی در اقتصاد جهانی را بازنظیم می‌کند.

اعمال فشار بر شبکه شرکای تجاری ایران و وزن دهی به نقش چین در موفقیت کارزار تحریمی آمریکا

کارزار تازه فشار اقتصادی آمریکا در حال عبور از تحریم مستقیم نهادهای ایرانی و حرکت به سمت بانک‌ها، شرکت‌ها و کشورهای واسطه است. وزارت خارجه آمریکا یک مؤسسه مالی ترکیه‌ای و دو شرکت وابسته را تحریم کرده و اسکات بسنت نیز از کشورهای مختلف، از جمله روسیه، خواسته است از همکاری اقتصادی با تهران فاصله بگیرند.

در پوشش رسانه‌ای اولیه این تحولات، ادعای پیوستن اتحادیه اروپا به کارزار تحریمی واشنگتن مطرح شد؛ اما یورونیوز به نقل از کمیسیون اروپا گزارش داد هیچ تحریم تازه یا تغییر رسمی در رژیم تحریمی اتحادیه تصویب نشده است. این تکذیب، خبر اولیه را تعدیل کرده است، هرچند حمایت سیاسی برخی دولت‌های اروپایی از افزایش فشار بر ایران همچنان ریسک همکاری مالی را بالا نگه داشته است.

چین میان انرژی و رقابت با آمریکا

در سوی دیگر فارن‌پالیسی و برخی رسانه‌های داخلی، تفاوت سطح روابط اقتصادی پکن با تهران و ریاض را برجسته کرده‌اند. بر اساس ارقام بازتاب داده شده در رسانه‌ها، سرمایه‌گذاری چین در عربستان طی سال ۲۰۲۳ حدود ۲۲.۵ میلیارد دلار و در ایران نزدیک به ۶۱۸ میلیون دلار بوده است.

این مقایسه برای نقد فاصله میان ادبیات «شراکت راهبردی» و حجم واقعی سرمایه‌گذاری چین مورد استفاده قرار گرفته است.

روزنامه خراسان در توصیف حدود حمایت پکن نوشته است:

«پکن شریک راهبردی ایران است، اما متحد جنگی تهران نیست، تنگه هرگز برای ایران اهرم ژئوپلیتیکی، اما برای چین شریان انرژی است؛ از این رو پکن با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا مخالفت می‌کند، ولی از بحرانی که معماری انرژی منطقه ورشد اقتصادی چین را مختل کند نیز استقبال نخواهد کرد.»

هم‌زمان، ادعاهایی درباره اخذ تعرفه دو میلیارد تومانی پاکستان از هر کامیون و توقف برخی مسیرهای ریلی و جاده‌ای در ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان منتشر شده است.

در همین رابطه عبدالله باباخانی کارشناس حوزه انرژی در کانال تلگرامی خود متذکر شده است: «هم‌زمانی این اقدامات با فشارهای اقتصادی آمریکا علیه ایران، این گمانه را تقویت کرده که پاکستان نیز، مشابه برخی اقدامات امارات، در حال همسویی بیشتر با سیاست‌های محدودکننده آمریکا علیه تجارت ایران است؛ هرچند این ارتباط تاکنون به صورت رسمی تأیید نشده است.»

بررسی روندها نشان می‌دهد که نقطه‌ی حساس این ماجرا، پیوند تنگاتنگ تحریم بانکی با سه عامل افزایش هزینه حمل، دشواری تسویه‌ی

پول و بدگمانی شرکای منطقه‌ای است. در چنین شرایطی، فشار اقتصادی وقتی به بحران کمبود کالا دامن می‌زند که کانال‌های مالی، ترابری و

تأمین، همگی با هم و به صورت هماهنگ دچار اختلال شوند.

ادراک‌سازی از انتقال رکود تورمی بازارها به سفره، سلامت و الگوی مصرف خانوار

براساس ارزیابی رسانه‌های اقتصادی، نشانه‌های رکود تورمی اکنون از بازار ارز و دارایی فراتر رفته و در مصرف ضروری خانوار نمایان شده است. گزارش روزنامه اطلاعات نشان می‌دهد فروش لوازم خانگی دست دوم دست کم ۴۰ درصد افزایش یافته، در حالی که قیمت بسیاری از کالاهای نوظی یک سال دو برابر شده است. تورم ماهانه این گروه نیز ۱۰۳ واحد درصد بالاتر از تورم عمومی و کاهش تقاضا برای خدمات مرتبط نزدیک به ۳۵ درصد اعلام شده است.

مهاجرت تقاضا به بازار دست دوم

جهش حدود ۱۲۰ درصدی نرخ ارز طی یک سال، هزینه قطعات و مواد اولیه را افزایش داده و بخشی از تقاضا را از کالای نوبه تعمیر، خرید دست دوم و بازارچه‌های مرزی منتقل کرده است. این وضعیت، هم‌زمان فروش تولیدکنندگان رسمی، شبکه توزیع و خدمات پس از فروش را تحت فشار قرار می‌دهد.

افزایش شدید قیمت دارو

❖ اقتصاد نیوز قیمت آموکسی سیلین را از ۳۲۰ هزار به یک میلیون و ۲۳۰ هزار تومان، استامینوفن کدئین را از ۱۳۷ هزار به ۶۵۰ هزار تومان، گاباپنتین را از ۳۰۰ هزار به ۹۶۰ هزار تومان و کلاریترومایسین را از ۴۵۰ هزار به یک میلیون و ۵۸۰ هزار تومان اعلام کرده است. دامنه افزایش این اقلام بین حدود سه تا نزدیک پنج برابر قرار دارد.

در همین رابطه یک داروساز در پستی اینستاگرامی که بازتاب گسترده‌ای در صفحات مجازی اقتصادی و عمومی داشته، علت اصلی کمبود را بحران سرمایه در گردش داروخانه‌ها دانسته و گفته است:

«۸۰ درصد کمبود دارو به این دلیل است که داروخانه‌ها نقدینگی لازم برای خرید دارو ندارند.» البته ادعای این داروساز از سوی هیچ نهاد رسمی تأیید نشده، اما اگر روند توصیف شده صحیح باشد، گرانی دارو می‌تواند به کمبود فیزیکی و اختلال در دسترسی بیماران مزمن، از جمله مصرف‌کنندگان انسولین و بیماری‌های خاص، تبدیل شود. افزایش ۳۵ درصدی تعرفه‌های درمان خصوصی و رسیدن هزینه برخی جراحی‌های ساده به چند ده میلیون تومان نیز فشار پرداخت از جیب خانوار را تشدید کرده است.

❖ در بخش غذا، افزایش قیمت سبوس از ۹ هزار به ۳۹ هزار تومان، هزینه دامداری و تولید لبنیات و گوشت را بالا می‌برد. در سطح جهانی نیز شاخص قیمت مواد غذایی فائو در اوت با رشد ۱۰۹ درصدی به ۱۳۳۰۳ واحد رسیده که بالاترین سطح از نوامبر ۲۰۲۲ است.

هم‌زمانی ضعف ریال، افزایش جهانی قیمت غذا، جهش نهاده‌های داخلی و بحران نقدینگی شبکه دارو، خطر انتقال رکود تورمی از خریدهای قابل تعویق به نیازهای غیرقابل حذف خانوار را افزایش داده است.

بازنمایی چرخش ناگهانی صف‌های فروش به خرید به عنوان نشانه غلبه رفتار هیجانی بر بورس

بازار سرمایه در فاصله‌ای کوتاه دو وضعیت کاملاً متضاد را تجربه کرده است. بورس ۲۴ از تشکیل حدود ۲۵ همت صف فروش و افت اولیه ۱۵۰ هزار واحدی شاخص خبر داد؛ هرچند ورود تقاضا بخشی از ریزش را جبران کرد و بازار با افت حدود ۸۰ هزار واحدی بسته شد.

در مرحله بعد، ۸۶ درصد نمادها سبز شدند، ارزش تقاضا از ۱۷۰۵ همت عبور کرد و در برابر آن فقط حدود ۷۰۰ میلیارد تومان عرضه قرار گرفت. همچنین ۲۷۷ صف خرید به ارزش نزدیک به ۱۷ همت تشکیل شد و شاخص کل از سطح ۶۰۶ میلیون واحد گذشت.

بورس ۲۴ وضعیت نخست بازار را چنین توصیف کرده است:

«بازار کار خود را با حدود ۲۵ همت صف فروش آغاز کرد، اما تقاضای ایجاد شده بخشی از افت

اولیه شاخص را جبران کرد.»

چرخش سریع بازار لزوماً نشانه تغییر متغیرهای واقعی شرکت‌ها نیست. افزایش دلار توافقی و حواله‌ای به محدوده ۱۶ هزار تومان می‌تواند نرخ تسعیر و سود اسمی صادرکنندگان را تقویت کند؛ اما ریسک جنگ، دعاوی مالی و هزینه تأمین مواد اولیه همچنان پابرجاست.

دوپرونده شرکتی

❖ ارزش پرتفوی بورسی سی‌تا ۶۹ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان و ارزش افزوده آن ۶۸ هزار و ۷۹۱ میلیارد تومان اعلام شده است؛ خالص ارزش دارایی هر سهم نیز ۴ هزار و ۴۳۲ ریال و نسبت قیمت به خالص ارزش دارایی ۷۶ درصد برآورد شده است

❖ دیوان محاسبات ارزش ابهام در صورت‌های مالی هلدینگ خلیج فارس، از جمله محکومیت قطعی ۸۷۲ میلیون دلاری پتروشیمی مهر، بدهی خوراک، زیان پتروشیمی فیلیپین و سودهای درون‌گروهی خبر داده است

محورهای رسانه‌ای

- ❖ تصویرسازی مثبت از رشد شاخص با تمرکز بر صف‌های خرید و حذف اثر کاهش ارزش پول
- ❖ تشکیک در پایداری صعود بورس با برجسته‌سازی تغییر ناگهانی رفتار معامله‌گران
- ❖ اعتبارزدایی از شفافیت هلدینگ‌های بزرگ با تمرکز بر دعاوی و سودهای درون‌گروهی

آینده‌هراسی از عبور اقتصاد ایران از مرحله گرانی به کمبود و سهمیه‌بندی کالاهای ضروری

بخشی از تحلیل‌های اقتصادی منتشرشده در ۲۴ ساعت گذشته، ادامه محاصره و کاهش درآمد ارزی را مقدمه عبور اقتصاد ایران از «گرانی» به «کمبود» معرفی کرده‌اند. در تحلیل منسوب به هاشم پسران، درآمد نفتی ایران از حدود پنج میلیارد دلار در اسفند به کمتر از یک میلیارد دلار در اردیبهشت کاهش یافته است. سعید لیلان نیز رقم متفاوتی ارائه کرده و مدعی کاهش درآمد صادراتی ماهانه از سه میلیارد دلار به ۱۵۰ میلیون دلار شده است.

❖ اختلاف قابل توجه این ارقام مانع از تلقی آن‌ها به عنوان داده قطعی می‌شود؛ به ویژه آنکه فارس در روایتی متقابل از ورود بیش از یک میلیارد دلار ارز نفتی به ذخایر کشور از ابتدای شهریور و تحقق بیش از ۸۰ درصد درآمد نفتی پیش‌بینی شده پنج ماهه خبر داده است.

در تحلیل منسوب به هاشم پسران، نقطه هشدار را تداوم سه ماهه محاصره دانسته است:

«خطر اصلی، حرکت اقتصاد از افزایش قیمت به سمت کمبود کالاهای اساسی، دارو و سوخت است.»

تورم ماهانه کمتر از چهار درصدی تیرماه با تعریف فنی ابرتورم، یعنی تورم ماهانه ۵۰ درصد، فاصله

زیادی دارد. با این حال، اتصال سقوط درآمد ارزی، شکاف ۶۰ هزار تومانی نرخ ارز، ناترازی بانک‌ها، اختلال تجارت و نااطمینانی بنزین می‌تواند پیش از وقوع ابرتورم آماری، دسترسی خانوارها به کالاهای ضروری را مختل کند. محور اصلی هشدار، نه فروپاشی فوری قیمت‌ها، بلکه تبدیل فشار مالی به اختلال در عرضه و توزیع است.

سرایت هزینه‌های جنگ ایران به تقاضای مصرفی اروپا و زیان دهی برندهای جهانی پوشاک
گزارش وال استریت ژورنال از عملکرد سه ماهه دوم شرکت پی‌وی‌اچ، مالک برندهای تامی هیلفیگر و کالوین کلاین، نشان می‌دهد آثار اقتصادی جنگ ایران از بازار انرژی، حمل و نقل و تجارت فراتر رفته و به تقاضای مصرفی در بازار پوشاک نیز سرایت کرده است. این شرکت در سه ماهه دوم با زیان ۱۰۲.۹ میلیون دلاری، معادل ۲.۲۳ دلار به ازای هر سهم، روبه‌رو شد؛ در حالی که در دوره مشابه سال گذشته ۲۲۴.۲ میلیون دلار سود و ۴.۶۳ دلار سود به ازای هر سهم ثبت کرده بود.

افت فروش در بازارهای در معرض جنگ

❖ وال استریت ژورنال گزارش داده درآمد پی‌وی‌اچ با کاهش سه درصدی به ۲.۱ میلیارد دلار رسیده است. مهم‌ترین کانون افت، منطقه اروپا، خاورمیانه و آفریقا بوده که فروش در آن‌شش درصد کاهش یافته؛ افتی که شرکت مستقیماً به فشار جنگ ایران بر مصرف‌کنندگان و پیامدهای اقتصادی آن نسبت داده است. فروش در قاره آمریکا تنها یک درصد کاهش یافت و در آسیا. اقیانوسیه سه درصد رشد کرد. این واگرایی جغرافیایی، شدت انتقال شوک جنگ به بازارهایی را نشان می‌دهد که از مسیر انرژی، تورم، نااطمینانی و کاهش اعتماد مصرف‌کننده آسیب پذیرترند.

فاصله سود عملیاتی با زیان حسابداری

❖ با وجود زیان سنگین گزارش شده، سود تعدیل شده هر سهم به ۳.۷۰ دلار رسید و از برآورد ۳.۰۸ دلاری تحلیلگران فکت‌ست فراتر رفت. درآمد نیز اندکی بالاتر از پیش‌بینی ۲.۰۹ میلیارد دلاری بازار قرار گرفت. این دوداده نشان می‌دهد فشار اصلی به معنای فروپاشی عملیات تجاری شرکت نیست، اما هزینه‌ها و عوامل حسابداری، نتیجه را از سود سال گذشته به زیان تغییر داده‌اند. هم‌زمان، استفان لارسون، مدیرعامل پی‌وی‌اچ، از رشد فروش آنلاین و تقویت کسب و کار مستقیم با مصرف‌کننده خبر داده و بر آثار مثبت کارزارهای تبلیغاتی پاییزه دوبرند تأکید کرده است.

تثبیت چشم‌انداز محتاطانه

❖ پی‌وی‌اچ پیش‌بینی کرده درآمد سالانه تقریباً بدون رشد باقی بماند؛ همان چشم‌اندازی که در ژوئن، با استناد به ضعف تقاضای ناشی از جنگ ایران، کاهش داده بود. شرکت در عین حال برآورد سود تعدیل شده ۱۱.۸۰ تا ۱۲.۱۰ دلار برای هر سهم را حفظ کرده است. برای سه ماهه سوم نیز کاهش

کم دامنه درآمد و سود ۲۰۵ تا ۲۰۶۵ دلاری هر سهم پیش بینی شده، درحالی که تحلیلگران ۲۰۹۹ دلار انتظار دارند.

داده‌های پی‌وی‌اچ جنگ ایران را به عنوان متغیری اثرگذار در گزارش سود شرکت‌های مصرفی جهانی تثبیت می‌کنند. تداوم افت تقاضا در اروپا، خاورمیانه و آفریقا می‌تواند بازاریابی و رشد تجارت الکترونیک را از ابزار توسعه به سپری برای جبران ضعف فروش حضوری تبدیل کند.

هراس افکنی از پایان قریب الوقوع ذخایر سوخت ایران برای اعتباربخشی به راهبرد خفگی اقتصادی آمریکا

نیویورک پست در گزارشی با عنوان «ایران تنها دوماه ذخیره سوخت دارد»، فشارهای انرژی را در قالب روایتی از فروپاشی اقتصاد ایران صورت‌بندی کرده است. این رسانه با استفاده از تعبیری چون «فاجعه اقتصادی»، «اقتصاد در سقوط آزاد» و «تحریم‌های فلج‌کننده»، می‌کوشد کارزار فشارواشنگتن را مؤثر و قادر به وادارسازی تهران به عقب‌نشینی نشان دهد.

برجسته‌سازی شمارش معکوس سوخت

❖ کانون عملیات روانی گزارش، ادعای یک مقام ناشناس ایرانی است که گفته ایران «تنها به اندازه دو ماه بنزین» در اختیار دارد. نیویورک پست این ادعا را در کنار آسیب زیرساخت پالایشی، کمبود منابع تعمیراتی و اجبار به واردات بنزین قرار داده تا تصویری از نزدیک شدن کشور به بحران توزیع سوخت بسازد. اتکای گزارش به منابع بی‌نام و فقدان آمار درباره موجودی مخازن، مانع از راستی‌آزمایی این برآورد است؛ با این حال، عدد «دوماه» به عنوان یک ضرب‌الاجل روانی برجسته شده است.

دستاوردهای محاصره اقتصادی

❖ این رسانه عملیات «طردشدگی اقتصادی» دولت آمریکا را تلاشی برای «فروپاشاندن نظام» معرفی کرده و تعبیر اسکات بسنت از «روز دی اقتصادی» را بازنشر داده است. کاهش دسترسی به منابع مالی، محدود شدن صادرات نفت، توقف مراودات مالی امارات و افزایش هزینه شبکه‌های دورزننده تحریم، به صورت اجزای یک حلقه محاصره‌بازنمایی شده‌اند.

پیوند فشار معیشتی با اجبار سیاسی

❖ نیویورک پست با اشاره به عبور نرخ دلار از ۲۰۲ میلیون ریال، تورم متوسط ۶۹۰۹ درصدی، بیکاری ۹۰۱ درصدی و دستمزد ماهانه ۱۲۵ دلاری، فشار اقتصادی را به زندگی پیوند می‌زند. نقل قول یک کارمند تهرانی که گفته «هر روز فقیرتر می‌شویم»، کارکرد انسانی این روایت را تکمیل می‌کند.

محور نهایی گزارش، القای بسته شدن هم‌زمان مسیرهای تنفسی اقتصاد ایران است. برجسته‌سازی همکاری چین، قطع تعاملات امارات و تهدید کشورهای کمک‌کننده، برای القای

انزوای کامل تهران و ناگزیر شدن آن به مذاکره به کار رفته است. در این چارچوب، بحران سوخت نه صرفاً یک مخاطره اقتصادی، بلکه ابزار شمارش معکوس برای شکست سیاسی ایران بازنمایی می شود.

برجسته سازی بازگشت موقعیت های صعودی نفت به اوج سه ماهه با تشدید جنگ ایران و آمریکا

گزارش بلومبرگ نشان می دهد تشدید درگیری ایران و آمریکا، معامله گران را به افزایش شرط بندی روی رشد قیمت نفت واداشته است. صندوق های پوشش ریسک در هفته منتهی به اول سپتامبر، موقعیت خالص صعودی خود در نفت برنت را ۳۷ هزار و ۸۳۷ قرارداد افزایش داده و به ۲۶۱ هزار و ۴۳۵ قرارداد رسانده اند؛ بالاترین سطح از ماه مه.

باز قیمت گذاری ریسک هرمز

❖ بر اساس داده های بورس بین قاره ای، بازگشت حملات آمریکا، پاسخ های ایران و هدف گیری شناورهای عبوری، نگرانی از تداوم اختلال در مهم ترین گلوگاه انرژی جهان را احیا کرده است. آمار کمیسیون معاملات آتی کالای آمریکایی نشان می دهد موقعیت های خالص خرید نفت آمریکا به بالاترین سطح از ژوئن رسیده است. این رفتار بیانگر آن است که بازار، سناریوی آرامش و احیای کشتیرانی در هرمز را با تردید بیشتری قیمت گذاری می کند.

سرایت شوک به فرآورده ها

❖ فشار صعودی به نفت خام محدود نمانده است. بلومبرگ می نویسد جنگ ها در خاورمیانه و اوکراین، بازار فرآورده های پالایشی را بیشتر تحت فشار قرار داده اند. موقعیت های صعودی گازوئیل به بالاترین سطح از مارس رسیده و بهای خرده فروشی آن در آمریکا رکورد ۵ دلار و ۸۵ سنت برای هر گالن را ثبت کرده است. شرط بندی خالص صعودی بنزین نیز با جهش به ۸۹ هزار و ۲۶۳ قرارداد، به بیشترین سطح از دسامبر رسیده است.

این داده ها از تثبیت «صرف ریسک جنگ» در انتظارات معامله گران حکایت دارد؛ روندی که می تواند نوسان نفت، سوخت و انتظارات تورمی را حتی بدون توقف کامل عرضه حفظ کند.

آینده هراسی دویچه وله از سرایت انسداد هرمز به بحران مالی، اعتراضات معیشتی و بی ثباتی سیاسی عراق

رسانه آلمانی دویچه وله با تمرکز بر پیامدهای جنگ ایران و انسداد تنگه هرمز، عراق را در آستانه بحرانی مالی. اجتماعی تصویر می کند که از کاهش صادرات نفت آغاز شده، به تأخیر پرداخت حقوق رسیده و در صورت هم زمانی با کمبود برق، تورم و افت خدمات، می تواند ثبات سیاسی را تحت فشار

قرار دهد. خط اصلی گزارش، بازنمایی آسیب‌پذیری اقتصادی است که ۸۵ تا ۹۰ درصد بودجه آن به نفت وابسته است و حدود دوسوم جمعیت در سن کار، معیشت خود را از دولت تأمین می‌کنند.

کاهش درآمد و قفل شدن بودجه

❖ برپایه گزارش، ۸۰ تا ۹۰ درصد نفت عراق پیش از جنگ از هرگز صادر می‌شد. با محدود شدن تردد، صادرات نفت در ماه مارس نسبت به سال قبل ۸۳ درصد کاهش یافت و صادرات دریایی نفت خام در ماه مه نیز ۹۷ درصد پایین آمد. درآمد ماهانه دولت در مه و ژوئن به ۲ تا ۲.۳ میلیارد دلار رسید؛ در حالی که بغداد ماهانه برای حقوق، بازنشستگی و حمایت‌های اجتماعی به ۶.۵ تا ۸.۲ میلیارد دلار نیاز دارد.

علی‌الراوی، اقتصاددان عراقی، وابستگی فراگیر اقتصاد این کشور به درآمد نفتی را چنین خلاصه می‌کند:

«تمامیت اقتصاد عراق اکنون گروگان درآمدهای نفتی است.»

❖ دولت عراق شایعه پرداخت حقوق ۴۵ روزه را رد کرده و با اشاره به ۸۳ میلیارد دلار ذخایر، طلا و درآمدهای غیرنفتی، امکان تأمین حقوق برای ۱۰ تا ۱۱ ماه را مطرح کرده است. با این حال، افت ۲۸.۶ درصدی فروش خودرو و کاهش ۲۵ درصدی هزینه‌های دولت در ماه مه، دامنه بحران را فراتر از بودجه نشان می‌دهد. اختصاص ۹۹ درصد مخارج جاری به حقوق، مستمری و تأمین اجتماعی نیز منابعی ناچیز برای سرمایه‌گذاری و خدمات باقی می‌گذارد.

از تأخیر حقوق تا احتمال اتصال اعتراضات

تأخیر بیش از ۱۰ روزه حقوق کارکنان و برگزاری تجمع‌های محدود دانشگاهیان و کارکنان وزارت برق، در گزارش به عنوان نخستین نشانه‌های انتقال شوک نفتی به جامعه معرفی شده است. یک معلم اهل موصل درباره اثر روانی این وضعیت می‌گوید:

«این تأخیر شمارا مضطرب و هراسان می‌کند و ناچار می‌شوید هزینه‌ها را کاهش دهید.»

حیدر الشاکری، پژوهشگر چتم‌هاوس، وقوع فوری جنبشی سراسری مشابه اعتراضات اکتبر را بعید می‌داند، اما درباره انباشته شدن نارضایتی هشدار می‌دهد:

«اگر تأخیر حقوق با کمبود برق، تورم و افت خدمات همراه شود، اعتراضات جداگانه ممکن است به یکدیگر متصل شوند.»

محورهای عملیات روانی موجود در گزارش دویچه‌وله

❖ آینده‌هراسی از تبدیل بحران نقدینگی دولت عراق به موج تازه بی‌ثباتی اجتماعی و اعتراضات سراسری

❖ برجسته‌سازی وابستگی بودجه عراق به نفت برای القای شکنندگی کامل ساختار مالی این کشور

- ❖ مقصرنمایی انسداد تنگه هرمز در تأخیر حقوق، افت مصرف خانوار و کاهش خدمات عمومی
- ❖ ادراک سازی از ناکارآمدی مسیرهای جایگزین صادراتی با تأکید بر ظرفیت محدود خطوط ترکیه، سوریه و لبنان

- ❖ تشکیک در دوام ذخایر ارزی عراق در برابر استمرار جنگ و کاهش بلندمدت تردد دریایی

جمع بندی

دوپیچه وله بحران عراق را آزمونی برای اقتصاد نفت محور و دولت متورم این کشور معرفی می کند. مسیرهای جایگزین، از خط ترکیه تا بنادر سوریه و احیای خط عراق-لبنان، توان جبران صادرات جنوبی را ندارند. در کوتاه مدت، ذخایر دولت مانع توقف پرداخت ها می شود؛ اما تداوم اختلال در هرمز، منابع توسعه ای را می بلعد. خطر اصلی زمانی شکل می گیرد که بحران حقوق با تورم، کمبود برق و خدمات فرسوده پیوند بخورد؛ نقطه ای که شوک اقتصادی قابلیت تبدیل شدن به بحران سیاسی را پیدا می کند. این ریسک پابرجاست.

برجسته سازی گسترش «عملیات طرد اقتصادی» با هدف القای انسداد کامل شبکه های مالی و تجاری ایران

تحریم بانک «گلدن گلوبال» ترکیه و دو شرکت وابسته، به کانون پوشش رسانه ای کارزار «عملیات طرد اقتصادی» تبدیل شده است. وزارت خزانه داری آمریکا مدعی است این بانک، ده ها میلیون دلار تراکنش نیروی قدس را تسهیل کرده و درآمد نفت فروخته شده به چین را از طریق شبکه «رهبر» به ترکیه منتقل می کرده تا به پول نقد و طلا تبدیل شود. رویترز، آسوشیتد پرس، نیویورک پست، بلومبرگ و رادیو اروپای آزاد، اقدام علیه نخستین بانک یک عضو ناتو را نشانه انتقال فشار از نهادهای ایرانی به واسطه های کشورهای ثالث بازنمایی کرده اند.

روایت قطع شریان مالی

- ❖ نیویورک پست تحریم بانک سی و پنجم ترکیه با ۵۱۷ میلیون دلار دارایی را «قطع شریان مالی ایران» خوانده و رویترز اثر اصلی اقدام رانه در اندازه بانک، بلکه در پیام بازدارنده آن برای بانک های همکار دانسته است. در مقابل، بلومبرگ با اشاره به سرمایه ۳۴ میلیون دلاری بانک، آغاز کارزار را «کم فروغ» توصیف کرد. در سوی مقابل بانک گلدن گلوبال ادعاهای مطرح شده را رد کرده، بر رعایت مقررات تأکید داشته و از پیگیری حقوقی خبر داده است.

در همین جهت بسنت وزیر خزانه داری ایالات متحده هدف روانی تحریم را فراتر از تحریم یک مؤسسه صورت بندی کرد:

«ما می دانیم چه کسانی هستند و کجا قرار دارند و همراه متحدان خود اقدام خواهیم کرد»

تاسر مار ایرانی را دفن کنیم.»

این ادبیات، با هراس افکنی درباره هزینه همکاری با ایران، در پی افزایش ریسک ادراکی برای بانک‌ها، صرافی‌ها، شرکت‌های کشتیرانی و شرکای تجاری است؛ به گونه‌ای که حتی بدون تحریم مستقیم، از معاملات ایران فاصله بگیرند.

شکاف میان نمایش اجماع و واقعیت همراهی اروپا

❖ سی‌ان‌بی‌سی و تایمز آو ایندیا، ادعای بسنت درباره «پیوستن رسمی» اتحادیه اروپا را با زتاب دادند؛ اما یورونیوز با بازخوانی بیانیه بروکسل نشان داد اتحادیه صرفاً از فشار بیشتر استقبال کرده و هیچ تحریم تازه، هم‌ترازی حقوقی یا عضویت رسمی در عملیات اعلام نکرده است. این تفاوت، تلاش واشنگتن برای تصویرسازی مثبت از شکل‌گیری اجماع جهانی را آشکار می‌کند؛ در حالی که اروپا هم‌زمان بر دیپلماسی، کاهش تنش و آزادی کشتیرانی در هرمز تأکید دارد.

محدودیت‌های کارزار و مسئله چین

❖ نیوزویک نوشت واشنگتن با هدف گرفتن واسطه‌ای در ترکیه، همچنان از برخورد مستقیم با مسئله اصلی تقاضای چین برای نفت ایران پرهیز کرده است. آسوشیتدپرس نیز یادآور شد وعده «روز موعود اقتصادی» تاکنون در برابر شرکای بزرگ، به هشدار و مذاکره تقلیل یافته و اقدام علیه شعب اماراتی بانک مصر محدود باقی مانده است. گاردین این سیاست را فشار بدون راهبرد خواند و هشدار داد تهران می‌تواند با تشدید ناامنی‌های هرمزیا تهدید مسیرهای جایگزین صادرات انرژی، هزینه کارزار را به آمریکا و متحدانش منتقل کند.

محورهای عملیات روانی مجموعه این گزارش‌های رصد شده

❖ برجسته‌سازی تحریم یک بانک کوچک به عنوان نشانه فروپاشی شبکه مالی برون مرزی ایران
❖ ادراک‌سازی از فراگیری نظارت خزانه داری آمریکا برای بازداشتن مؤسسات کشورهای ثالث
❖ بازنمایی حمایت محدود اروپا به عنوان پیوستن رسمی و شکل‌گیری اجماع جهانی علیه تهران
❖ آینده هراسی از قطع درآمد نفتی، کاهش ذخایر ارزی و تشدید فشار معیشتی بر جامعه ایران
پوشش رسانه‌ای نشان می‌دهد اهمیت این تحریم بیش از اثر مالی فوری، در کارکرد نمایشی و بازدارنده آن نهفته است. تأکید بلومبرگ بر کوچکی بانک، تشکیک آسوشیتدپرس در نتیجه کارزار، تفکیک یورونیوز میان «استقبال» و «عضویت» و تمرکز نیوزویک بر مصون ماندن چین، شکاف میان ادعای «قطع همه شریان‌ها» و ظرفیت اجرایی واشنگتن را برجسته می‌سازد. بنابراین، عملیات طرد اقتصادی بیش از آنکه انسداد ایجاد کرده باشد، پروژه‌ای برای افزایش هزینه حقوقی و اعتباری همکاری با ایران است.

ارزیابی و تحلیل روند رسانه‌های منطقه و رژیم صهیونیستی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ افشای طرح موساد برای فروپاشی حکومت ایران در صد ساعت نخست جنگ با محوریت ترور رهبران، شورش داخلی و تشکیل ساختار انتقالی
- ❖ القای ناکارآمدی فشار حداکثری آمریکا بدون مهار شبکه‌های اقتصادی و امنیتی ایران در عراق
- ❖ ادراک‌سازی درباره فروریختن عمق دفاعی حزب‌الله با بزرگ‌نمایی اهمیت راهبردی تسلط بر ارتفاعات علی‌الطاهر
- ❖ بازنمایی پرونده محمدرضا غفوری فرد در جروزالم‌پست به عنوان نمونه‌ای از فعالیت پنهان شبکه‌های ایرانی در غرب
- ❖ دستاوردسازی از آزادی پنج لبنانی بازداشت‌شده برای القای کارآمدی مذاکرات لبنان و رژیم صهیونیستی
- ❖ اعتباربخشی به سیاست فشار اقتصادی و حملات نظامی آمریکا از مسیر بازنمایی ایران به عنوان محرک تنش منطقه‌ای
- ❖ ادعای ایندیندنت عربی درباره عقب‌نشینی ایران از مواضع پیشین پس از تشدید فشارهای آمریکا و تمایل تهران به بازگشت به توافق اسلام‌آباد
- ❖ ترسیم دکترین آیزنکوت برای مهار ایران از «منطقه نابودی» تا عملیات مخفی موساد
- ❖ القای شکست محاسباتی موساد در تغییر حکومت ایران به دلیل ارزیابی نادرست از ساختار قدرت داخلی تهران
- ❖ بازنمایی احمدی‌نژاد به عنوان گزینه احتمالی شورای انتقالی موساد پس از فروپاشی جمهوری اسلامی
- ❖ هراس افکنی درباره ظرفیت بازسازی توان هسته‌ای و موشکی ایران پس از جنگ و ضرورت تداوم فشارهای امنیتی
- ❖ برجسته‌سازی نقش گروه‌های کردی مسلح در طرح فروپاشی ایران و القای امکان شکاف‌زایی داخلی
- ❖ متهم‌سازی ایران به بهره‌گیری از تنش منطقه‌ای برای مقابله با فشار اقتصادی آمریکا و حفظ موقعیت راهبردی
- ❖ تقلیل عملیات نظامی محدود آمریکا به راهبرد «چمن‌زنی» برای عادی‌سازی حملات مستمر علیه ایران
- ❖ تهدیدنمایی از برنامه هسته‌ای ایران با طرح خطوط قرمز اسرائیل برای اقدام نظامی مستقل

- ❖ القای بهره‌برداری داخلی ایران از شرایط اضطراری برای توجیه محدودیت‌های سیاسی و کنترل اجتماعی
- ❖ بازنمایی عراق به عنوان شریان اقتصادی ایران و القای ضرورت فشار بر بغداد برای مهار تهران
- ❖ تبدیل پرونده حشد الشعبی و تجارت ایران و عراق به ابزار فشار برای کاهش نفوذ منطقه‌ای تهران
- ❖ القای عقب‌نشینی مرحله‌ای حزب الله با بازنمایی تسلط اسرائیل بر علی‌الظاهر به عنوان تغییر آرایش امنیتی جنوب لبنان
- ❖ برجسته‌سازی دستاوردهای نظامی اسرائیل برای بازسازی تصویر قدرت ارتش پس از عملیات فرسایشی در جنوب لبنان
- ❖ اعتباربخشی به نقش آمریکا در مدیریت ترتیبات پسا جنگ لبنان از مسیر میانجی‌گری میان بیروت و تل‌آویو
- ❖ بازنمایی ایران به عنوان تهدید امنیتی جهانی از طریق ادعاهای مربوط به شبکه‌های تأمین، دورزدن تحریم‌ها و انتقال فناوری
- ❖ القای ضرورت تبدیل مهار ایران به یک سازوکار دائمی با تکیه بر عملیات مخفی، نظارت اطلاعاتی و ائتلاف‌سازی غربی اسرائیلی

رصد و تحلیل

افشای طرح موساد برای فروپاشی حکومت ایران در صد ساعت نخست جنگ

گفت‌وگوی تازه پادکست «وان دیسیژن» با حضور مارک مازتی، خبرنگار تحقیقی نیویورک تایمز، رونن برگمن، خبرنگار همین روزنامه و متخصص امور اطلاعاتی اسرائیل، و سر ریچارد دیرلاو، رئیس پیشین ام‌آی ۶، مجموعه‌ای از ادعاهای کم‌سابقه را درباره طرح موساد برای تغییر حکومت در ایران مطرح می‌کند؛ طرحی که به روایت شرکت‌کنندگان، بر ترکیبی از ترور رهبران، حملات نظامی، شورش داخلی، ورود نیروهای گُرد و شکل دهی یک ساختار انتقالی استوار بوده، اما در مرحله اجرا با شکست مواجه شده است.

احمدی‌نژاد در طرح حکومت انتقالی موساد

مازتی و برگمن مدعی‌اند موساد طی چند سال برای جذب محمود احمدی‌نژاد تلاش کرده و تماس‌هایی با او، از جمله در سفرهای خارجی‌اش، برقرار شده است. به گفته آنان، احمدی‌نژاد ابتدا به عنوان منبع یا عنصر اثرگذار دیده می‌شد، اما با نزدیک شدن جنگ، موساد او را یکی از گزینه‌های شورای انتقالی پس از سقوط جمهوری اسلامی در نظر گرفت. برگمن تأکید می‌کند که موساد واقعاً تصور می‌کرد او را جذب و کنترل کرده است.

طبق این روایت، پس از آغاز جنگ و در شرایطی که احمدی نژاد تحت مراقبت قرار داشت، اسرائیل به محل اقامت او حمله کرده و **موساد وی رابه خانه‌ای امن منتقل کرده است**؛ اما او چند روز بعد از آن محل خارج و بار دیگر در اختیار نیروهای ایرانی قرار گرفته است. دیرلا و این روایت را محل تردید جدی می‌داند و احتمال **عامل دوجانبه بودن احمدی نژاد** یا اطلاع سپاه از ارتباطات او را مطرح می‌کند.

طرح صدساعته برای فروپاشی حکومت و نقش‌گردها

برگمن مدعی است طرح موساد بر این فرض استوار بود که اگر در صد ساعت نخست جنگ رهبر و شماری از مقام‌های ارشد کشته، زیرساخت‌های حیاتی تخریب و برتری هوایی تثبیت شود، می‌توان شکاف درون حاکمیت رابه فروپاشی سیاسی تبدیل کرد. در این چارچوب، قرار بود گروه‌های کرد مسلح وارد شمال ایران شوند، بخشی از توان سپاه را درگیر کنند و فشار داخلی را افزایش دهند. با این حال، مازنی و دیرلا و این بخش از طرح را غیرواقع‌بینانه توصیف می‌کنند. مخالفت ترکیه، خطر قتل عام نیروهای گرد و محدود بودن پنجره برتری هوایی از عوامل شکست این سناریو عنوان شده است. برگمن همچنین می‌گوید اطلاعات نظامی اسرائیل پیش از جنگ نسبت به عملی نبودن این طرح هشدار داده بود، اما فضای تصمیم‌گیری اجازه اثرگذاری جدی این مخالفت را نداد.

نقش نتانیا هو و شکاف اهداف آمریکا و اسرائیل

مازنی می‌گوید رژیم صهیونیستی با هدف روشن تغییر حکومت وارد جنگ شد، اما آمریکا فاقد هدف واحد بود و میان نابودی برنامه هسته‌ای، تضعیف توان نظامی و سرنگونی جمهوری اسلامی در نوسان ماند. به روایت او، **دیوید بارنیا در فوریه ۲۰۲۶ طرح تغییر حکومت را مستقیماً برای ترامپ تشریح کرد و نتانیا هو باتکیه بر موفقیت‌های پیشین اسرائیل، او را به امکان پایان سریع جنگ متقاعد ساخت.**

جمع‌بندی گفت‌وگو این مسئله است که اعتماد به نفس بیش از حد موساد، ارزیابی نادرست از شکنندگی ساختار قدرت در ایران و اتکای زیاد به اثر حملات اولیه، طرح تغییر حکومت را ناکام گذاشت. شرکت‌کنندگان همچنین معتقدند شکست این سناریو می‌تواند اعتبار نتانیا هو در واشنگتن و توان رژیم برای اثرگذاری بر تصمیم‌های آتی آمریکا درباره ایران رابه میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد.

القای ناکارآمدی فشار حداکثری آمریکا بدون مهار شبکه‌های ایران در عراق

جروز الپست در گزارشی با عنوان «**ظهور عراق به عنوان شریان اقتصادی ایران در میانه تشدید تحریم‌های آمریکا**» تلاش کرده است عراق را یکی از مهم‌ترین حلقه‌های بقای اقتصادی و مالی جمهوری اسلامی معرفی کند؛ حلقه‌ای که به ادعای این رسانه، به دلیل مرز طولانی، پیوندهای تجاری، بازار ارز و نفوذ گروه‌های نزدیک به ایران، امکان **دورزدن بخشی از محدودیت‌های آمریکا** را

فراهم می‌کند.

گزارش با استناد به برخی بانکداران، فعالان اقتصادی و منابع ناشناس عراقی مدعی شده است انتقال دلار از گذرگاه‌های مرزی، افتتاح حساب‌های پوششی، استفاده از دینار در تجارت دوجانبه، تغییر برچسب مبدأ کالاهای ایرانی و حتی اختلاط نفت ایران با محموله‌های عراقی از جمله سازوکارهای مورد استفاده برای کاهش اثر تحریم‌هاست. جروزالم پست همچنین فعالیت صدها شرکت ایرانی در عراق و اقلیم کردستان و گستردگی بازار کالاهای ایرانی رانشانه‌ای از عمق وابستگی دو اقتصاد قلمداد کرده است.

برجسته‌سازی این شبکه‌ها در مقطع کنونی، فراتر از یک گزارش اقتصادی، در خدمت تقویت این گزاره قرار دارد که کارزار فشار حداکثری آمریکا بدون همراه‌سازی بغداد ناقص خواهد ماند. هم‌زمانی گزارش با ضرب‌الاجل ۳۰ سپتامبر برای قرار گرفتن سلاح گروه‌های مسلح زیر کنترل دولت نیز به جروزالم پست امکان داده پرونده اقتصادی ایران را به موضوع حشد الشعبی پیوند بزند و نفوذ سیاسی-امنیتی تهران را عامل اصلی تداوم مسیرهای دورزدن تحریم معرفی کند.

مهم‌ترین محورهای عملیات روانی و اهداف گزارش جروزالم پست:

- ❖ ضریب دهی به عراق به عنوان مهم‌ترین «شریان تنفسی» ایران و القای نا کارآمدی فشار حداکثری بدون مسدودسازی این مسیر؛
 - ❖ فشار بر واشنگتن برای گسترش تحریم بانک‌ها، صرافی‌ها، شرکت‌ها و مقامات عراقی مرتبط با تجارت ایران؛
 - ❖ القای ضرورت کاهش نفوذ سیاسی و اقتصادی تهران در ساختار دولت و بازار عراق؛
 - ❖ وابسته‌نمایی حشد الشعبی و گروه‌های مقاومت به ایران و معرفی خلع سلاح آنان به عنوان پیش شرط اجرای مؤثر تحریم‌ها؛
 - ❖ توجیه فشار بر بغداد برای محدودسازی تجارت مرزی، واردات انرژی و استفاده از ارزهای محلی در مبادلات با ایران؛
 - ❖ تهدیدنمایی از تداوم همکاری اقتصادی با تهران از طریق برجسته‌سازی خطر کمبود دلار، افت ارزش دینار و تحریم ثانویه عراق؛
 - ❖ زمینه‌سازی برای تبدیل همراهی بغداد با سیاست مهار ایران به شاخصی از «حاکمیت ملی» و فاصله‌گیری از تهران؛
- گزارش جروزالم پست کوشیده عراق را از یک شریک اقتصادی ایران به مسئله‌ای راهبردی در معماری تحریم‌های آمریکا تبدیل کند؛ به گونه‌ای که واشنگتن برای افزایش اثرگذاری فشار بر تهران، ناگزیر به اعمال فشار مستقیم‌تر بر بغداد در حوزه مالی، مرزی و امنیتی شود.

ادراک سازی درباره فروریختن عمق دفاعی حزب الله با بزرگ نمایی اهمیت راهبردی تسلط بر علی الطاهر

اعلام ارتش صهیونیستی درباره دستیابی به «کنترل عملیاتی» بر ارتفاعات راهبردی علی الطاهر در جنوب لبنان، با موجی از دستاورد سازی نظامی و بزرگ نمایی اهمیت راهبردی این منطقه در محافل صهیونیستی و شماری از رسانه های عربی منتقد حزب الله همراه شده است؛ روایتی که می کوشد تصرف یک موقعیت مهم میدانی را به نشانه ای از **فروریختن عمق دفاعی حزب الله**، تضعیف ساختاری مقاومت و تثبیت برتری ارتش اسرائیل در جنوب لبنان تبدیل کند.

بازنمایی علی الطاهر به عنوان مرکز ثقل نظامی حزب الله

ارتش صهیونیستی مدعی شده لشکر ۳۶ دو مسیر زیرزمینی راپاک سازی کرده و کنترل عملیاتی سطح وزیرزمین منطقه را به دست گرفته است. بر اساس روایت ارتش، مجموعه زیرزمینی علی الطاهر شامل اتاق های فرماندهی، انبارهای تسلیحات، محل استقرار ژنرال تورها، اقامتگاه، آشپزخانه و تأسیسات خدماتی بوده و طی حدود دودهمه با حمایت ایران برای یگان بدر حزب الله توسعه یافته است. وای نت با بازتاب گسترده این روایت، عملیات لشکر ۳۶ را نشانه تسلط هم زمان اسرائیل بر سطح و زیرزمین معرفی کرده و معاریون نیز به نقل از ارتش مدعی کشف اجساد ۱۵ نیروی حزب الله در تونل ها شده است.

در همین چارچوب، نیویورک تایمز به نقل از یک مقام ایرانی و یک عضو سپاه پاسداران مدعی شده است که ۷۰ تا ۱۰۰ نیروی حزب الله به همراه شماری از مستشاران نیروی قدس در شبکه تونلی علی الطاهر محاصره شده اند و حزب الله در طول مدت اخیر برای رساندن آب و مواد غذایی به آنان از پهنپاد استفاده می کند. با این حال، روایت های بعدی درباره سرنوشت این نیروها متفاوت بود و برخی گزارش ها از خروج تعدادی از آنان حکایت داشته و برخی روایات مدعی اسارت آنان شده است. در عین حال، منابع امنیتی اسرائیلی حضور نیروهای ایرانی را رد کردند و یک مقام نظامی اسرائیل نیز بعداً اعلام کرد که هیچ افسر یا مستشار ایرانی در تونل ها پیدا نشده است.

بنیامین نتانیاهو با توصیف این تحول به عنوان «**خبر بسیار بزرگ**» مدعی شده که علی الطاهر دیگر تهدیدی برای کربیات شموئه، متولا والجلیل نیست و گفت «اکنون این منطقه در اختیار ماست». اسرائیل کاتس نیز کنترل ارتفاعات را تکمیل مرحله ای از ایجاد «منطقه امنیتی» در جنوب لبنان دانست و تصریح کرد اسرائیل تا زمان خلع سلاح حزب الله در سراسر لبنان عقب نشینی نخواهد کرد.

بزرگ نمایی پیامدهای جغرافیایی و القای عقب نشینی مرحله ای مقاومت

ایندیپندنت عربی با اشاره به ارتفاع حدود ۶۰۰ متری علی الطاهر و فاصله ۱۲ تا ۱۵ کیلومتری آن از مرز، بر اشراف این منطقه بر نبطیه، لیتانی و اقلیم التفاح تأکید کرده و از وجود ۱۲ ورودی شناخته شده

و تأسیساتی در عمق حدود ۴ متری زمین سخن گفته است. این رسانه همچنین اهمیت منطقه را فراتر از یک موضع تاکتیکی تصویر کرده و آن را بالقوه مؤثر بر پیوندهای لجستیکی جنوب لبنان دانسته است.

ایندیپندنت عربی همچنین به نقل از منابع محلی و امنیتی مدعی شده حزب الله در جبل صافی، جبل الریحان و اقلیم التفاح در حال شکل دادن به یک خط دفاعی دوم بوده است؛ روایتی که در سطح ادراکی، **عقب نشینی مرحله ای و اجتناب ناپذیر مقاومت به سمت شمال** را القامی کند. تلویزیون العربی نیز توصیف منابع اسرائیلی از علی الطاهر به عنوان «**مرکز عصبی**» یگان بدر و بخشی از «**ستاد فرماندهی**» حزب الله در جنوب را برجسته کرده، هرچند خبرنگار این شبکه احتمال اغراق در اهمیت مجموعه را نیز مطرح کرده است.

هم زمان، مصطفی فحس در یادداشتی در الشرق الاوسط با عنوان «**آیا هدف نبطیه است و علی الطاهر بهانه؟**» کانون بحث را از خود ارتفاعات به نبطیه منتقل کرده و نسبت به احتمال استفاده اسرائیل از موقعیت جدید برای فشار بر ارتفاعات پیرامونی و محیط اجتماعی حزب الله هشدار داده است. این نوع بازنمایی، تصرف علی الطاهر رانه یک پیشروی محدود، بلکه مقدمه تغییر آرایش امنیتی در عمق جنوب لبنان تصویر می کند.

شکاف میان روایت پیروزی قاطع و واقعیت عملیات فرسایشی

با وجود این حجم از دستاوردسازی، مجموعه روایت های منتشر شده نشان می دهد کنترل علی الطاهر محصول یک عملیات برق آسا نبوده است. گزارش های رسانه ای از هفته ها و بنا بر برخی روایت ها ماه ها محاصره، حملات هوایی و توپخانه ای، استفاده از پهپاد و عملیات زمینی برای تسلط بر یک ارتفاع حکایت دارند. همین روند، تصویر پیروزی سریع و کم هزینه را تا حدی مخدوش کرده و نشان می دهد این موضع برای ارتش اسرائیل نیز چالشی جدی و فرسایشی بوده است.

ایهاب حماده، نماینده حزب الله، ضمن ارائه موضعی بعضاً متفاوت درباره میزان کنترل ارتش صهیونیستی، گفته است «سیطره عملیاتی» از مدتی قبل وجود داشته، اما درباره تصرف کامل تأسیسات ابراز تردید کرده و تأکید داشته حتی از دست رفتن منطقه به معنای پایان توان نظامی حزب الله نیست. رسانه های نزدیک به حزب الله نیز اعلام کرده اند که بخش مهمی از تجهیزات پیش تر از مجموعه خارج شده است.

از این منظر، تبدیل علی الطاهر از یک دستاورد تاکتیکی مهم به نشانه «**شکست محتوم حزب الله**» همچنان بیش از آنکه نتیجه ای تثبیت شده در میدان باشد، بخشی از منازعه روایت ها است. این بازنمایی همچنین بانیاز انتخاباتی نتانیا هو به ارائه دستاورد محسوس و تلاش برای بازسازی تصویر قدرت ارتش صهیونیستی پیوند دارد. در مقابل، اهمیت واقعی تحول را باید در میزان

توان اسرائیل برای تثبیت حضور، جلوگیری از بازسازی شبکه‌های حزب‌الله و گسترش کنترل به ارتفاعات پیرامونی سنجید؛ همان‌گونه که حزب‌الله نیز با ضرورت بازآرایی خطوط دفاعی و تطبیق الگوی بازدارندگی خود با گسترش منطقه امنیتی اسرائیل مواجه شده است.

بازنمایی پرونده محمدرضا غفوری فرد در جروزالم پست به عنوان نمونه‌ای از ادعای فعالیت پنهان شبکه‌های ایرانی در غرب

در امتداد فضا سازی محافل صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، روزنامه جروزالم پست در گزارشی به پرونده ادعایی محمدرضا غفوری فرد، فرزند حسن غفوری فرد معاون پیشین رئیس جمهور ایران، پرداخته و مدعی شده است که حضور برخی افراد مرتبط با ایران در کشورهای غربی می‌تواند به ایجاد مسیرهایی برای دور زدن تحریم‌ها و تأمین تجهیزات مورد نیاز برنامه‌های نظامی تهران منجر شود. این ادعای پیش‌تر نیز از سوی برخی محافل ضد ایرانی در کانادا مطرح شده بود.

ادعای ارتباط غفوری فرد با برنامه‌های نظامی ایران

جروزالم پست با استناد به گزارش‌های منتسب به سرویس اطلاعات امنیت کانادا (CSIS) مدعی شده است که غفوری فرد در دوران فعالیت خود در ایران، در شرکت «ربیع کوثر» با برخی پروژه‌های دفاعی از جمله سامانه پدافندی «شاهین»، جنگ الکترونیک و ساختارهای تأمین قطعات مرتبط با نیازهای نظامی همکاری داشته است. این رسانه همچنین ادعا کرده است که وی در یک شبکه تدارکاتی مخفی برای تهیه تجهیزات مورد استفاده نیروهای نظامی ایران و سپاه پاسداران نقش داشته است.

بر اساس این روایت، CSIS مدعی شده غفوری فرد در جریان تحقیقات امنیتی، مشارکت خود در برخی فعالیت‌های تأمین و پشتیبانی را پذیرفته است؛ ادعایی که وی و وکیلش رد کرده و آن را فاقد اعتبار دانسته‌اند.

بازنمایی نگرانی غرب از نفوذ ادعایی تهران

این گزارش با برجسته سازی دریافت بیش از ۲ میلیون دلار قرارداد دولتی کانادا توسط شرکت‌های مرتبط با غفوری فرد، از جمله قراردادهایی با وزارت دفاع و پلیس سواره نظام سلطنتی کانادا، تلاش می‌کند موضوع را در چارچوب نگرانی‌های غرب درباره نفوذ احتمالی جمهوری اسلامی در ساختارهای اقتصادی و دولتی کشورهای غربی قرار دهد.

جروزالم پست همچنین مدعی شده است که سفرهای غفوری فرد به ایران و ارتباطات احتمالی وی با نهادهای امنیتی ایران، پرسش‌هایی درباره فعالیت شبکه‌های وابسته به تهران در خارج از کشور ایجاد کرده است.

گزارش جروزالم پست با تکیه بر ادعاهای امنیتی مطرح شده از سوی نهادهای کانادایی، پرونده غفوری فرد را به عنوان نمونه‌ای از تهدید ادعایی حضور عناصر مرتبط با ایران در غرب و امکان بهره‌گیری آنان برای عبور از محدودیت‌های تحریمی و انتقال فناوری بازنمایی می‌کند؛ امری که با هدف تشدید سخت‌گیری‌ها و اعمال محدودیت‌های فزاینده بر ایرانیان خارج از کشور به بهانه همکاری احتمالی با جمهوری اسلامی در دستور کار محافل صهیونیستی قرار گرفته است.

دستاوردسازی از آزادی پنج لبنانی بازداشت شده برای القای کارآمدی مذاکرات لبنان ورژیم صهیونیستی

آزادی پنج لبنانی و سوری بازداشت شده از سوی رژیم صهیونیستی و ادامه مذاکرات با میانجی‌گری آمریکا، به محور تازه‌ای برای دستاوردسازی از مسیر دیپلماتیک بیروت-تل‌آویو و القای کارآمدی سازوکار مذاکره تبدیل شده است؛ روندی که در حالی برجسته می‌شود که اختلافات اصلی درباره عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان، توقف حملات و خلع سلاح حزب الله همچنان حل نشده باقی مانده است.

برجسته‌سازی یک امتیاز محدود در سایه تداوم اختلافات اصلی

رژیم صهیونیستی در ابتدا مالک کمال غازی را آزاد کرد و سپس چهار بازداشت شده دیگر شامل علی شور، حسین عیاش، اسعد الحسیکه و وسام ابراهیم السماوی با میانجی‌گری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از مسیر ناقوره تحویل داده شدند. دفتر بنیامین نتانیاها اعلام کرده که بررسی‌ها نشان داده این افراد غیرنظامی بوده، عضو سازمان‌های تروریستی نبوده‌اند و دلیلی برای ادامه بازداشت آنان وجود نداشته است. با این حال، منابع لبنانی همچنان از وجود حدود ۳۳ تا ۳۶ بازداشت شده و ده‌ها مفقود خبر می‌دهند و هم‌زمان با آزادی این افراد نیز گزارش‌هایی از بازداشت سه نفر دیگر توسط نیروهای صهیونیستی در حلتا منتشر شده است.

وزارت خارجه آمریکا این تحول را نتیجه میانجی‌گری میان «دو دولت مشروع» توصیف کرده و سفارت آمریکا در بیروت نیز آن را نشانه‌ای از «حسن نیت» طرفین دانسته است. واشنگتن تأکید کرده گفت‌وگوها را به صورت روزانه تسهیل می‌کند و به دنبال تداوم چارچوب سه جانبه ۲۶ ژوئن است؛ چارچوبی که خلع سلاح گروه‌های مسلح غیردولتی، عقب‌نشینی تدریجی اسرائیل، استقرار ارتش لبنان و رسیدگی به پرونده بازداشت‌شدگان و مفقودان را در بر می‌گیرد.

المونیتور در گزارشی با عنوان «وقت‌کشی اسرائیل؛ مذاکرات لبنان زیر فشار آمریکا تا پس از انتخابات متوقف مانده است» اذعان نموده که تل‌آویو عملاً یک راهبرد دوگانه را دنبال می‌کند؛ از یک سو مذاکرات را برای پاسخ به فشار دولت ترامپ زنده نگه می‌دارد و اقداماتی کم‌هزینه مانند آزادی

بازداشت‌شدگان انجام می‌دهد و از سوی دیگر، عملیات نظامی در علی‌الظاهر را ادامه داده و از عقب‌نشینی بیشتر در جنوب لبنان خودداری می‌کند. به نوشته این رسانه، هدف کوتاه‌مدت رژیم **خرید زمان تا انتخابات ۲۷ اکتبر** و حفظ آزادی عمل نظامی بدون فروپاشی روند مذاکرات است. ایندپندنت عربی نیز در گزارش «۵ اسیر و سقوط علی‌الظاهر... واشنگتن میان لبنان و اسرائیل چه چیزی را مهندسی کرد؟» سه پرونده زمین، بازداشت‌شدگان و بقایای مفقودان یهودی لبنانی را اجزای روندی معرفی کرده که آمریکای کوشد در قالب یک مسیر مذاکره‌ای مدیریت کند. آزادی بازداشت‌شدگان نیز با همکاری لبنان برای یافتن بقایای شماری از یهودیان لبنانی ربوده یا کشته شده در دهه ۱۹۸۰ پیوند خورده است.

در همین حال، بی‌بی‌سی عربی در گزارشی با اشاره به نخستین آزادی بازداشت‌شدگان از زمان آغاز گفت‌وگوها گزارش کرده که بیش از ۳ نفر همچنان در فهرست خانواده‌ها و کمیته‌های لبنانی قرار دارند و حملات اسرائیل نیز متوقف نشده است. الدیار نیز مدعی شده نتانیاهاوز صدور بیانیه مشترک با لبنان و آمریکا خودداری کرده تا آزادی افراد به عنوان تصمیم مستقل اسرائیل و نه امتیازی حاصل از مذاکرات بازنمایی شود.

اهداف ادراکی و سیاسی برجسته‌سازی آزادی بازداشت‌شدگان لبنانی

- ❖ **اعتباربخشی به مذاکرات بیروت و تل‌آویو:** تبدیل یک اقدام محدود و انسان‌دوستانه به شاهدهی بر کارآمدی مسیر دیپلماتیک و امکان دستیابی به امتیاز از طریق مذاکره
- ❖ **تقویت جایگاه دولت نواف سلام و ریاست جمهوری لبنان:** بازنمایی ساختار رسمی لبنان به عنوان بازیگری قادر به کسب امتیاز سیاسی و امنیتی بدون توسل به قدرت نظامی
- ❖ **تفکیک دولت لبنان از حزب الله:** برجسته‌سازی دولت به عنوان طرف مشروع مذاکره و بازنمایی حزب الله به عنوان عاملی که می‌تواند روند تثبیت حاکمیت و توافقات سیاسی را مختل کند
- ❖ **ترغیب حزب الله به عقب‌نشینی و اعتماد بیشتر به مسیر سیاسی:** القای این گزاره که پرونده‌هایی مانند بازداشت‌شدگان، عقب‌نشینی و امنیت مرزی از طریق میانجی‌گری و توافق قابل پیگیری است
- ❖ **افزایش وزن آمریکا در ترتیبات پساجنگ لبنان:** تثبیت واشنگتن به عنوان میانجی اصلی و گره‌زدن پیشرفت‌های محدود به استمرار نقش آمریکا در مدیریت منازعه
- ❖ **ایجاد موازنه رسانه‌ای در برابر تداوم اشغال و حملات رژیم صهیونیستی:** برجسته‌سازی آزادی چند بازداشت‌شده برای تعدیل اثر منفی استمرار عملیات نظامی، بازداشت‌ها و خودداری ارتش صهیونیستی از عقب‌نشینی از مناطق اشغالی لبنان
- ❖ **خرید زمان برای دولت نتانیاهاو تا انتخابات:** حفظ مذاکرات در سطحی کنترل‌شده بدون پذیرش تعهدات پرهزینه، هم‌زمان با استمرار آزادی عمل نظامی در جنوب لبنان

اعتباربخشی به سیاست فشار اقتصادی و حملات نظامی آمریکا از مسیر بازنمایی ایران به عنوان محرک تنش منطقه‌ای

سرلشکر ذخیره تمیر هیمن، مدیر اجرایی مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل و رئیس پیشین اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل در گفت‌وگویی با برنامه «Brief.II» این مؤسسه، در مسیر تهدیدنمایی از جمهوری اسلامی ایران روایتی امنیتی از رفتار تهران ارائه کرده که محور آن، متهم‌سازی ایران به بهره‌گیری عامدانه از تنش منطقه‌ای برای مقابله با سیاست «خفگی اقتصادی» دولت ترامپ است. هیمن مدعی است ایران خود را برنده جنگ می‌داند و با این برداشت که آمریکا در آستانه انتخابات میان دوره‌ای تمایلی به ورود مجدد به جنگ گسترده ندارد، تلاش می‌کند از وضعیت تنگه هرمز برای افزایش هزینه‌های واشنگتن، تأخیر در مذاکرات هسته‌ای و بازسازی توان موشکی و هسته‌ای استفاده کند.

متهم کردن ایران به رفتار تنش‌زابه عنوان پاسخی عامدانه به موفقیت فشار اقتصادی ترامپ

هیمن در بخش‌های مختلف مصاحبه، فشار اقتصادی آمریکا را دارای آثار ملموس معرفی و ادعا می‌کند محدود شدن صادرات ایران و فشار ناشی از محاصره می‌تواند تهران را در برابر بحران اقتصادی و ناآرامی‌های داخلی آسیب‌پذیر کند. در همین چارچوب، احتمال تشدید مجدد تنش در هرمز یا سایر نقاط منطقه رانه واکنشی به اقدامات آمریکا، بلکه تصمیمی حساب‌شده از سوی ایران برای جلوگیری از «خفگی اقتصادی» ترسیم می‌کند.

رئیس پیشین اطلاعات نظامی ارتش صهیونیستی هم‌زمان و در مسیر اعتباربخشی به تحرکات آمریکا در خلیج فارس مدعی شده که نیروهای آمریکایی بخشی از مین‌های یکی از مسیرهای بین‌المللی هرمز را پاک‌سازی کرده و گذرگاهی محدود برای عبور شبانه‌کشتی‌ها تحت حفاظت ایجاد کرده‌اند. از این منظر، هیمن تلاش می‌کند ضمن تأیید نسبی موفقیت واشنگتن در بازگشایی هرمز، فشار اقتصادی را به عنوان ابزاری کم‌هزینه‌تر از جنگ برای وادار سازی ایران به عقب‌نشینی معرفی کند.

تقلیل عملیات نظامی آمریکا به «چمن‌زنی» و عادی‌سازی حملات زیر آستانه جنگ

هیمن راهبرد ترامپ را وضعیت «نه توافق و نه جنگ گسترده» توصیف می‌کند و احتمال حملات محدود آمریکا برای جلوگیری از مین‌گذاری یا انسداد مجدد هرمز را مطرح می‌سازد. او این الگورا مشابه راهبرد اسرائیلی «چمن‌زنی» می‌خواند؛ یعنی حملات مکرر و محدود زیر آستانه جنگ با هدف جلوگیری از بازسازی تهدید. این صورت‌بندی عملاً اقدام نظامی آمریکا را از مفهوم «آغاز جنگ» فاصله داده و آن را به ابزاری مستمر و پیشگیرانه برای مدیریت تهدید تقلیل می‌دهد.

تهدیدنمایی از برنامه هسته‌ای و ترسیم خطوط قرمز تل‌آویو برای حمله مستقل

بخش دیگری از روایت هیمن بر این ادعا استوار است که وضعیت «نه جنگ و نه توافق» به ایران فرصت می‌دهد برنامه هسته‌ای و موشکی خود را بازسازی کند. اوسه تحول را خط قرمز اسرائیل معرفی می‌کند:

❖ انتقال اورانیوم با غنای بالا،

❖ بازسازی تأسیسات تبدیل اورانیوم

❖ فعال شدن مجموعه زیرزمینی «کوه کلنگ» به عنوان مرکز غنی‌سازی.

به گفته هیمن مشاهده هر یک از این موارد باید حتی بدون همراهی آمریکا، زمینه اقدام مستقیم اسرائیل را فراهم کند.

هیمن آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای را «تندروترین عنصر» ساختار کنونی ایران معرفی کرده و مدعی است ایشان ممکن است برای جلوگیری از تحقیر و تثبیت روایت «مقاومت موفق»، خطر تشدید درگیری را بپذیرد. او علاوه بر این، مدعی است تهران از استمرار وضعیت اضطراری منتفع می‌شود، زیرا می‌تواند محدودیت‌های سیاسی، کنترل داخلی و سرکوب اعتراضات را با تهدید امنیتی توجیه کند.

از بهره‌برداری انتخاباتی نتانیا‌هو در غزه تا هشدار درباره تبدیل ترکیه به «ایران جدید»

در بخش پایانی این گفتگو هیمن تأخیر در اجرای طرح ترامپ در غزه را برای نتانیا‌هودارای منفعت انتخاباتی می‌داند؛ زیرا عقب‌نشینی از مناطق تحت کنترل پیش از انتخابات می‌تواند برای ائتلاف راست‌گرا پرهزینه باشد. درباره ترکیه نیز، هرچند نسبت به گسترش حضور آنکارا در سوریه و منطقه هشدار می‌دهد، تأکید می‌کند تبدیل ترکیه به «ایران جدید» و دشمن رسمی اسرائیل خطایی راهبردی است و حتی برجسته‌سازی تهدید ترکیه می‌تواند کارکرد انتخاباتی برای نتانیا‌هو داشته باشد. صورت‌بندی هیمن از ایران، در سراسر گفت‌وگو بر برجسته‌سازی تهدید و نسبت دادن ابتکار تشدید تنش به تهران استوار است. این چارچوب جمهوری اسلامی را به عنوان مسبب جنگ احتمالی معرفی کرده و در مقابل، حملات آمریکا و اسرائیل را واکنش پیشگیرانه و ناگزیر جلوه دهد. تقلیل حملات محدود به مفهوم «چمن‌زنی»، تأکید بر موفقیت فشار اقتصادی، ترسیم خطوط قرمز هسته‌ای و نسبت دادن منفعت داخلی به وضعیت اضطراری، همگی در جهت اعتبار بخشی به تداوم فشار و مشروعیت بخشی پیشینی به اقدام نظامی احتمالی واشنگتن و تل‌آویو عمل می‌کنند.

ادعای ایندیپندنت عربی درباره عقب‌نشینی ایران از مواضع پیشین پس از تشدید فشارهای آمریکا و تمایل تهران بازگشت به توافق اسلام‌آباد

هَدی رؤوف، نویسنده ایندیپندنت عربی، در یادداشتی با بررسی تحولات هفته‌های اخیر میان ایران و آمریکا، مدعی شده است که تغییر موازنه پس از انعقاد اولیه «مذکره اسلام‌آباد» موجب تضعیف موقعیت تهران و افزایش تمایل ایران برای بازگشت به این توافق شده است. به ادعای وی، ایران در ابتدا تلاش کرد این توافق را نشانه توانایی خود در تحمیل شرایط جدید بر واشنگتن، به‌ویژه در موضوع تنگه هرمز، معرفی کند؛ اما اقدامات بعدی آمریکا در حوزه فشار اقتصادی، تحریم‌ها و بازگشت نسبی جریان نفت از هرمز، تهران را در موقعیتی متفاوت قرار داده است.

ادعای تغییر موازنه پس از توافق و کارآمدی افزایش فشارها بر تهران

رؤوف مدعی است که ایران پس از توافق اولیه اسلام‌آباد تصور می‌کرد با در اختیار داشتن اهرم‌هایی مانند محدود کردن تردد در تنگه هرمز و تهدید امنیت انرژی، می‌تواند واشنگتن را به اجرای تعهدات توافق وادار کند. با این حال، نویسنده ادعا می‌کند آمریکا در هفته‌های پس از توافق توانست بخشی از این فشار را خنثی کند؛ از جمله با موفقیت در عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز و تشدید کارزار تحریمی علیه شبکه‌های نفتی، مالی و تجاری ایران.

به ادعای وی، این تحولات موجب شد ابزاری که تهران برای افزایش قدرت چانه‌زنی خود طراحی کرده بود، به عاملی برای افزایش هزینه‌های اقتصادی ایران تبدیل شود. کاهش صادرات نفت، محدودیت دسترسی مالی و فشارهای داخلی ناشی از مشکلات اقتصادی از جمله عواملی عنوان شده که موقعیت تهران را تضعیف کرده است.

مذکره اسلام‌آباد به عنوان مسیر خروج از بحران

نویسنده ایندیپندنت عربی معتقد است اهمیت بازگشت به این توافق برای ایران بیش از آنکه ناشی از یک پیروزی دیپلماتیک باشد، به نیاز تهران برای کاهش فشارهای انباشته بازمی‌گردد. به ادعای او، اجرای مفاد توافق می‌تواند امکان کاهش محدودیت‌های دریایی، تداوم صادرات نفت، آزادسازی منابع مالی و ایجاد فرصت تنفس اقتصادی را برای ایران فراهم کند.

رؤوف همچنین مدعی است تهران تلاش دارد بازگشت به توافق را نه به عنوان عقب‌نشینی در برابر فشار آمریکا، بلکه به عنوان مطالبه اجرای تعهدات پیشین واشنگتن معرفی کند تا هزینه سیاسی داخلی آن کاهش یابد.

ادعای تغییر محاسبات چین و محدود شدن گزینه‌های ایران

گزارش مذکور همچنین ادعا کرده که فشارهای آمریکا باعث تغییر محیط خارجی ایران شده و حتی

روابط تهران با چین را تحت تأثیر قرار داده است. به روایت نویسنده، پکن بیش از آنکه مایل به حمایت از راهبرد تقابلی ایران در هرمز باشد، بر امنیت انرژی و آزادی کشتیرانی تمرکز دارد.

رؤوف نتیجه گرفته که تحرکات آمریکا در هفته‌های اخیر، از مدیریت عبور نفت در هرمز تا تشدید فشارهای اقتصادی، موجب کاهش قدرت مانور ایران و افزایش نیاز تهران به بازگشت به «مذکره اسلام‌آباد» شده است؛ نتیجه‌ای که دقیقاً گزارش با هدف دستیابی به آن نگارش شده تا با توصیف ایران در موقعیت ضعف و کارآمدی سیاست فشار اقتصادی آمریکا، واشنگتن را به عدم انعطاف و پیشبرد سیاست مذکور تا دستیابی به هدف غایی ترغیب نماید.

ترسیم دکترین آیزنکوت برای مهار ایران از «منطقه نابودی» تا عملیات مخفی موساد

روزنامه «جروزالم پست» در گزارشی اختصاصی به قلم یونا جرمی بوب، تحلیل‌گر ارشد نظامی این روزنامه و متخصص پرونده‌های ایران، غزه و لبنان، تصویری نسبتاً منسجم از رویکرد امنیتی گادی آیزنکوت در صورت پیروزی در انتخابات اسرائیل ترسیم کرده است. در روایت این رسانه، آیزنکوت برخلاف بنیامین نتانیا هو، بر تبدیل دستاوردهای نظامی مقطعی به ترتیبات امنیتی پایدار، قابل نظارت و متکی بر هماهنگی با آمریکا و متحدان اروپایی تأکید دارد. ایران در مرکز این الگو قرار دارد و برنامه آیزنکوت در قبال تهران در سه پرونده اصلی قابل تفکیک است.

هسته‌ای؛ عبور از نظارت صرف به تهدید دائمی برای انهدام هرگونه تحرک در مراکز حساس

مهم‌ترین ابتکار آیزنکوت، بنا بر گزارش جروزالم پست، درخواست از آمریکا برای ایجاد یک «منطقه نابودی» بر فراز محدود نقاطی است که ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد ایران در آنها قرار دارد. این طرح از نظارت اطلاعاتی فراتر می‌رود و مستلزم تعهد علنی واشنگتن به هدف قرار دادن هر تحرکی است که بتواند نشانه انتقال یا بازایی مواد هسته‌ای باشد. آیزنکوت این گزینه را برای شرایطی در نظر دارد که فشار حداکثری و مذاکرات به توافق مطلوب نرسد.

در تعریف او، «توافق خوب» باید بازرسی‌های بسیار بلندمدت، دسترسی در هر زمان و مکان و امکان شناسایی تلاش‌های پنهانی برای احیای برنامه هسته‌ای را تضمین کند. جروزالم پست تأکید می‌کند که آیزنکوت حتی کمتر از نتانیا هو حاضر به پذیرش توافقی است که صرفاً تهدید هسته‌ای ایران را به تعویق بیندازد.

موشکی؛ گسترش میدان عملیات مخفی موساد از پرونده هسته‌ای به توان بالستیک ایران

آیزنکوت می‌پذیرد که آزادی عمل اسرائیل علیه برنامه موشکی ایران، به‌ویژه به دلیل اولویت پایین‌تر این موضوع برای دولت ترامپ، محدودتر از پرونده هسته‌ای است. راهکار او بازگشت گسترده‌تر به عملیات مخفی موساد و توسعه اهداف اطلاعاتی و خرابکارانه از زیرساخت هسته‌ای به شبکه توسعه،

تولید و پشتیبانی موشک‌های بالستیک ایران است. در این چارچوب، مهارت‌های موشکی نه از مسیر توافق جامع، بلکه بیشتر با عملیات اطلاعاتی و اخلاص مستمر دنبال خواهد شد.

آمریکا؛ تبدیل مهار ایران از مطالبه اسرائیلی به منفعت امنیتی مشترک واشنگتن و تل‌آویو

بخش دیگری از رویکرد آیزنکوت، بازسازی اجماع در واشنگتن درباره اهمیت اسرائیل در مهار ایران است. او می‌خواهد مقابله با برنامه هسته‌ای ایران را نه صرفاً دغدغه تل‌آویو، بلکه بخشی از جلوگیری از هسته‌ای شدن خاورمیانه و حفاظت از امنیت بلندمدت آمریکا معرفی کند. هدف، احیای این برداشت است که اسرائیل می‌تواند بدون ورود مستقیم و پرهزینه آمریکا به میدان، بخشی از مسئولیت مهار تهدیدهای منطقه‌ای را بر عهده گیرد.

از مهار سوریه و حزب‌الله تا ترمیم شکاف با غرب؛ نقشه آیزنکوت برای بازچینی محیط منطقه‌ای اسرائیل

در سوریه، آیزنکوت احمد الشرع را همچنان دارای ماهیتی جهادی می‌داند، اما کنترل سرزمینی را ابزار چانه‌زنی و نه هدف دائمی تلقی می‌کند و در برابر ترتیبات امنیتی سخت‌گیرانه، امکان عقب‌نشینی محدود را منتفی نمی‌داند. در لبنان، او ضمن حفظ منطقه امنیتی مؤثر، خواهان تقویت ارتش لبنان و بازگرداندن فرانسه به سازوکار مهار حزب‌الله است. در غزه نیز با بازسازی مرحله‌ای در برابر خلع سلاح تدریجی حماس مخالفتی ندارد و در کرانه باختری، قصد دارد اختیارات امنیتی را از وزیرای راست افراطی به ارتش، پلیس و شین‌بت بازگرداند. هم‌زمان، ترمیم مناسبات با مصر، اردن، امارات و دولت‌های اروپایی را بخشی از احیای موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی اسرائیل می‌داند. ج‌روزالم پست آیزنکوت را سیاستمداری معرفی می‌کند که در قبال ایران الزاماً نرم‌تر از نتانیاهو نیست، بلکه در پی تبدیل فشار نظامی به سازوکار دائمی مهار از طریق نظارت مسلحانه، عملیات مخفی و ائتلاف‌سازی با آمریکا است. تفاوت اصلی، در این روایت، نه میزان سخت‌گیری علیه ایران بلکه در شیوه تبدیل برتری نظامی به ترتیبات امنیتی و دیپلماتیک ماندگار تعریف می‌شود.

ارزیابی و تحلیل روند رسانه‌های غربی و آمریکایی

خلاصه مدیریتی - مهم‌ترین محورهای رسانه‌ای

- ❖ اعمال فشار دیپلماتیک بر ایران با برجسته‌سازی تلاش آمریکا و اروپا برای ارجاع پرونده هسته‌ای تهران به شورای امنیت پس از دوده
- ❖ هراس افکنی درباره برنامه هسته‌ای ایران با تمرکز بر ابهام درباره سرنوشت ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی و ناتوانی آژانس در راستی‌آزمایی وضعیت تأسیسات آسیب‌دیده
- ❖ بازنمایی تهدید نظامی علیه زیرساخت‌های هسته‌ای ایران با برجسته‌سازی اظهارات ترامپ درباره احتمال حمله به تأسیسات زیرزمینی کوه کلنگ و پیوند آن با فشارهای دیپلماتیک
- ❖ تصویرسازی از برتری عملیاتی آمریکا در برابر ایران با تأکید ترامپ و ونس بر کنترل تنگه هرمز، نابودی رادارها و کاهش توان بازدارندگی تهران
- ❖ ادراک‌سازی درباره کاهش اهمیت راهبردی تنگه هرمز برای ایران با برجسته‌سازی ادعاهای واشنگتن درباره ایجاد مسیرهای جایگزین انرژی و کاهش اهرم فشار تهران
- ❖ فضا سازی درباره فرسایش اقتصادی ایران با تمرکز رسانه‌های غربی بر کاهش ارزش ریال، تورم، افت درآمدهای نفتی و تأثیر محاصره دریایی بر توان اقتصادی تهران
- ❖ القای انتقال مزیت جنگ فرسایشی به آمریکا با برجسته‌سازی روایت رسانه‌های غربی مبنی بر توان بیشتر واشنگتن برای تحمل هزینه‌های طولانی مدت و فشار بر ایران
- ❖ ادراک‌سازی از تغییر زمین بازی مذاکرات در روایت فایننشال تایمز درباره تبدیل تفاهم محدود هرمز به مطالبه توافق جامع‌تر درباره هسته‌ای، تحریم‌ها و رفتار منطقه‌ای ایران
- ❖ ترسیم نظم پساجنگ خاورمیانه در اکسیوس درباره طرح دولت ترامپ برای مهار منطقه‌ای ایران و گسترش عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی
- ❖ بازنمایی افزایش اعتماد به نفس ایران پس از شش ماه جنگ با تمرکز نیویورک تایمز بر ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا درباره شناخت تهران از ظرفیت‌های خود و محدودیت‌های قدرت واشنگتن
- ❖ القای تداوم بحران داخلی ایران با بازتاب روایت ویریتی از آثار سینمایی ایرانی با محتوای جامعه گرفتار میان فشارهای داخلی و پیامدهای جنگ خارجی
- ❖ بازتاب دوگانگی در روایت رسمی آمریکا درباره ماهیت جنگ با ایران با برجسته‌سازی تفاوت میان توصیف ترامپ از «درگیری مقطعی» و استفاده از تعبیر «جنگ ایران» در مواضع دیگر

تلاش غرب برای ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت پس از دوده

رویترز گزارش داده است آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان در صددند در نشست هفته آینده شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قطعنامه‌ای را به تصویب برسانند که بر اساس آن پرونده ایران برای نخستین بار در حدود ۲۰ سال گذشته به شورای امنیت سازمان ملل گزارش شود. پیش‌نویس این قطعنامه هنوز رسماً ارائه نشده و مذاکرات درباره متن نهایی ادامه دارد، اما رویترز یادآوری کرده است قطعنامه‌های پیشنهادی چهار قدرت غربی درباره ایران در سال‌های اخیر عموماً در شورای حکام تصویب شده‌اند.

این اقدام در ادامه قطعنامه خرداد ۱۴۰۴ شورای حکام صورت می‌گیرد که ایران را به دلیل همکاری نکردن کامل با تحقیقات مربوط به آثار اورانیوم در مکان‌های اعلام نشده، نقض تعهدات پادمانی معرفی کرد. یک روز پس از تصویب آن قطعنامه، اسرائیل حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را آغاز کرد و آمریکا نیز متعاقباً وارد حملات شد؛ حملاتی که به گفته رویترز، تأسیسات غنی‌سازی ایران را تخریب یا به شدت آسیب پذیر کرد.

محور اصلی اختلاف کنونی، عدم دسترسی بازرسان آژانس به تأسیسات بمباران شده و ناتوانی این نهاد در راستی‌آزمایی سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی شده ایران است. آژانس برآورد می‌کند ایران پیش از حملات حدود ۴۴۰۰۹ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد در اختیار داشته که در صورت غنی‌سازی بیشتر، طبق معیارهای این نهاد می‌تواند مواد لازم برای حدود ۱۰ ساله سلاح هسته‌ای را فراهم کند.

پیش‌نویس قطعنامه از مدیرکل آژانس می‌خواهد قطعنامه جدید و مصوبات پیشین را برای اعضای سازمان ملل و شورای امنیت ارسال کند و بار دیگر از تهران می‌خواهد اقدامات لازم برای رفع موارد عدم انطباق پادمانی را انجام دهد. با این حال، رویترز احتمال اقدام عملی شورای امنیت علیه ایران را محدود ارزیابی کرده است؛ زیرا روسیه و چین، دو متحد تهران، از حق و توبر خوردارند.

جمع‌بندی

ارجاع احتمالی پرونده ایران به شورای امنیت، در کوتاه مدت لزوماً به اقدام تنبیهی الزام‌آور منجر نخواهد شد، به ویژه آنکه روسیه و چین می‌توانند مانع شکل‌گیری اجماع علیه تهران شوند؛ با این حال، این روند می‌تواند سطح منازعه را از اختلاف فنی با آژانس به یک پرونده سیاسی-امنیتی بین‌المللی ارتقا دهد. اهمیت این تحول زمانی بیشتر می‌شود که ترامپ شب گذشته اعلام کرده آمریکا ممکن است «به زودی» تأسیسات زیرزمینی «کوه کلنگ» در نزدیکی نطنز را هدف قرار

دهد. در چنین فضایی، تصویب قطعنامه و برجسته شدن ابهام درباره سرنوشت ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی می تواند در سطح سیاسی وروایی، به یکی از زمینه های توجیه تشدید حملات آمریکا به زیرساخت های هسته ای ایران تبدیل شود؛ هرچند ارجاع پرونده به شورای امنیت به خودی خود مجوز حقوقی برای اقدام نظامی ایجاد نمی کند.

مواضع ترامپ و جی دی ونس درباره تداوم درگیری با ایران، کنترل هرمز و احتمال حملات جدید

دونالد ترامپ در دوروز گذشته در گفت وگو با خبرنگاران، مصاحبه با جی بی نیوز و پست های تروث سوشال مجموعه ای از مواضع تازه درباره ایران مطرح کرده است؛ مواضعی که بر کنترل تنگه هرمز، جلوگیری از احیای برنامه هسته ای ایران، احتمال حملات جدید و تضعیف موقعیت اقتصادی و نظامی تهران متمرکز است. جی دی ونس نیز از تداوم فشار چند وجهی علیه ایران سخن گفته است.

مواضع ترامپ

ماهیت درگیری با ایران

❖ من آن را {جنگ نه بلکه} یک درگیری نظامی می نامم، چون برای ما چیز ناچیزی است. موضوع بزرگی نیست... من می گویم این یک درگیری مقطعی است؛ ما حملات مقطعی انجام می دهیم. الان در حال جنگیدن نیستیم.

❖ فکر نمی کنم مهم باشد چه نامی روی آن می گذارید. آنچه اهمیت دارد این واقعیت است که موفقیت عظیمی داشته ایم. ما جلوی ایران را گرفتیم که سلاح هسته ای داشته باشد.

ترامپ در تروث سوشال در عین حال از تعبیر «جنگ ایران» استفاده کرد:

❖ دیوانه های چپ رادیکال، دموکرات های احمق و کمونیست ها ترجیح می دهند ما در جنگ ایران شکست بخوریم تا اینکه رئیس جمهور دونالد جی. ترامپ جنگ را برای آمریکا ببرد. آنها ترجیح می دهند ما ببازیم تا اینکه ما پیروز شویم.

احتمال حمله به کوه کلنگ

❖ ممکن است خیلی زود کوه کلنگ را هدف قرار دهیم، چون اگر در کوه کلنگ اتفاقی در جریان باشد... ما تک تک کسانی را که در کوه کلنگ جابه جا می شوند می شناسیم. همه کسانی را که در سراسر ایران جابه جا می شوند می شناسیم و اگر اتفاق بدی بیفتد، آنها را می زنیم؛ سخت هم می زنیم.

❖ آنها سه سایت داشتند و شاید حالا کوه کلنگ را هم داشته باشند، اما ما روی همه این مناطق دوربین داریم. می دانیم چه کسی وارد می شود و چه کسی خارج می شود. حتی می توانیم از فضا اسم افراد را بخوانیم. آنها حتی نمی توانند بدون اینکه ما متوجه شویم جابه جا شوند.

کنترل تنگه هرمز

❖ تنگه هرمز را کنترل می‌کنیم؛ کنترل بسیار محکمی بر آن داریم. ما به برخی مناطق اطراف تنگه هرمز حمله کردیم. رادارهایشان را از بین بردیم، چند هواپیمایشان را از بین بردیم و چیزهای دیگری را هم که برایشان نقش حفاظتی داشت نابود کردیم. قبلاً آنها تنگه هرمز را بسیار محکم کنترل می‌کردند، اما حالا ما کنترلش می‌کنیم.

❖ ما کنترل کامل تنگه هرمز را در اختیار داریم. هر شب ۳۰ تا ۴۰ قایق آنها را از بین می‌بریم و رادارهایشان را هدف قرار می‌دهیم.

❖ رادار بسیار پیشرفته‌ای داشتند. رادار جدیدی آورده بودند، چون یک بار آن را از بین برده بودیم. حالا برای بار دوم هم از بینش بردیم. حالا دیگر هیچ فعالیتی مشاهده نمی‌کنیم.

❖ از تنگه هرمز کشتی‌های زیادی در حال عبورند. مقدار زیادی نفت از تنگه خارج می‌شود. هیچ مینی وجود ندارد؛ چون همه مین‌ها را پاک کردیم.

ترامپ در **تروث سوشال** با انتشار آماری که **حجم کنونی عبور نفت و گاز مایع از هرمز را ۱۸ میلیون بشکه در روز نشان می‌داد، نوشت:**

❖ **حجم نفت هرمز بازگشته است!**

ادعای کاهش اهمیت هرمز

❖ گزینه‌های جایگزین زیادی برای تنگه هرمز در حال ایجاد است. تنگه هرمز دیگر مثل گذشته نیست. اگر ایران سر عقل نیاید، در نهایت با تنگه هرمزی روبه‌رو می‌شود که دیگر چندان ضروری نیست. در سراسر خاورمیانه خطوط لوله ساخته می‌شود تا دیگر مجبور نباشند از تنگه هرمز عبور کنند.

ترامپ در باز نشر گزارشی درباره **تلاش سوریه برای تبدیل شدن به مسیر جایگزین هرمز نوشت:**

❖ **این عالی است!**

برنامه هسته‌ای ایران

❖ پنج ماه است که آنجاییم و می‌دانید در این پنج ماه چه کردیم؟ آنها سلاح هسته‌ای نخواهند داشت. ایران سلاح هسته‌ای نخواهد داشت. ما جلوی دستیابی‌شان به آن را گرفته‌ایم.

❖ اگر ما وارد آنجا نشده بودیم، الان اسرائیلی وجود نداشت. خاورمیانه‌ای هم باقی نمی‌ماند و احتمالاً بعد از آن سراغ شهرهای اروپا و شهرهای ما می‌رفتند.

❖ اگر امروز خارج شویم، ۲۵ سال طول می‌کشد تا کشورشان را بازسازی کنند. اما می‌خواهم طوری خارج شوم که رئیس‌جمهور بعدی مجبور نباشد نگران این موضوع باشد.

❖ من کشور شما را هم از این تهدید نجات می‌دهم، چون اگر ایران سلاح هسته‌ای داشت، احتمال

اینکه از آن در اروپا استفاده کند بیشتر از آمریکا است؛ زیرا توان موشکی برای رسیدن به اروپا را دارد، نه آمریکا.

ترامپ همچنین مدعی شد ایران پیش از حملات آمریکا تنها «دو تا چهار هفته» با دستیابی به سلاح هسته‌ای فاصله داشته است.

اقتصاد ایران

❖ اقتصاد ایران در حال فروپاشی است. تورم ممکن است به ۳۰۰ درصد برسد، پولشان تقریباً بی ارزش شده و نرخ برابری آن با دلار حدود دو میلیون به یک است و هر روز هم بدتر می شود. آنها واقعاً در وضعیت بسیار بدی قرار دارند.

مواضع جی دی ونس

❖ هر اتفاقی که ممکن است بیفتد روی میز است؛ فشار اقتصادی، فشار نظامی، فشار دیپلماتیک، فشار مخفیانه. ابزارهای اضافی زیادی هم در اختیار داریم. رئیس جمهور از برخی از آنها استفاده می کند و از برخی هم نه.

❖ ما تنها کشور دنیا هستیم که می تواند کنترل تنگه هرمز را تضمین کند. ایرانی ها دوست دارند صفر میلیون بشکه از تنگه هرمز خارج شود. دیشب ۱۵ میلیون بشکه از تنگه هرمز خارج شد و این به خاطر ایالات متحده آمریکا است.

❖ ایرانی ها دارند می فهمند که کنترلشان بر تنگه هرمز عملاً از بین رفته و این اهرم هر روز کم ارزش تر می شود.

❖ ما یک ضرب الاجل مصنوعی تعیین نمی کنیم. غیرمسئولانه خواهد بود اگر راهبرد و جدول زمانی مان را برای کشوری مثل ایران تشریح کنیم.

❖ پیام ما به ایرانی ها ساده است؛ باید شلیک به کشتیرانی تجاری را متوقف کنید. ما با آنها صحبت نمی کنیم و صحبت هم نخواهیم کرد مگر اینکه شلیک به کشتیرانی تجاری را متوقف کنند.

درباره حمله به مراسم عروسی در سیریک:

❖ در این مورد مشخص، فکر نمی کنم اطلاعاتی داشته باشیم که چیزی را به این سویا آن سو ثابت کند... ایالات متحده هرگز در جنگ غیرنظامیان را هدف قرار نمی دهد. در حال بررسی آن هستیم.

جمع بندی

مواضع ترامپ و ونس نشان می دهد دولت آمریکا در پی تثبیت روایت برتری عملیاتی در هرمز، تداوم بازدارندگی هسته‌ای و باز نگه داشتن گزینه حملات جدید علیه ایران است. تهدید صریح ترامپ درباره کوه کلنگ مهم ترین نشانه استمرار امکان اقدام نظامی تازه است. هم زمان، تأکید بر کاهش اهمیت هرمز و فرسایش اقتصادی ایران، بخشی از تلاش واشنگتن برای بازنمایی

محدود شدن اهرم‌های تهران محسوب می‌شود. با این حال، استفاده ترامپ از تعبیر «جنگ ایران» در تروث سوشال در کنار توصیف آن به عنوان «درگیری مقطعی» نزد خبرنگاران، همچنان دوگانگی در روایت رسمی کاخ سفید از ماهیت درگیری را نشان می‌دهد.

القای انتقال مزیت زمانی جنگ به آمریکا با برجسته‌سازی فرسایش اقتصادی و ناکارآمدی محاصره هرمز

هم‌زمان با ورود جنگ ایران و آمریکا به ماه ششم، مجموعه‌ای از رسانه‌های غربی با تمرکز بر وضعیت تنگه هرمز و فشارهای اقتصادی، در حال بازنمایی تغییر تدریجی موازنه فرسایشی جنگ به زیان تهران هستند. محور مشترک این روایت آن است که اگرچه آمریکا نتوانسته ایران را به عقب نشینی سریع وادار کند، اما ادامه وضعیت موجود به تدریج ظرفیت اقتصادی و ابزارهای فشار تهران را فرسوده‌تر از واشنگتن خواهد کرد.

وال استریت ژورنال در مطلبی با عنوان «زمان دیگر در نبرد محاصره‌ها به سود ایران نیست» مدعی است محاصره دریایی آمریکا از ماه ژوئیه تقریباً صادرات نفت ایران از خلیج فارس را متوقف کرده، درحالی‌که تلاش تهران برای محدود کردن عبور نفت کشورهای عربی از هرمز با «نشتی» قابل توجه مواجه شده است. این رسانه با استناد به داده‌های ردیابی نفتکش‌ها، تداوم انتقال میلیون‌ها بشکه نفت غیرایرانی از هرمز و بنادر دریای عمان را نشانه کاهش قدرت تهران برای ایجاد شوک انرژی جهانی معرفی می‌کند.

وبسایت اقتصادی اینوستینگ نیز همین خط را با برجسته‌سازی عبور روزانه حدود ۵ میلیون بشکه نفت خام از هرمز و ۲۰۵ میلیون بشکه دیگر از مسیرهای جایگزین دنبال کرده و تأکید دارد باقی ماندن قیمت نفت زیر ۱۰۰ دلار، اهرم فشار ایران بر اقتصاد جهانی را محدود کرده است. در مقابل، کاهش ارزش ریال، تورم فزاینده، کمبود بنزین و اظهارات مسعود پزشکیان درباره کاهش ۲۵ تا ۳۵ درصدی تجارت کشور، به عنوان نشانه‌های افزایش فشار داخلی برجسته می‌شود.

فارن افرز این روایت را یک گام جلوتر برده و در مقاله «استدلالی به نفع بن بست با ایران» توصیه می‌کند واشنگتن اساساً برای پیروزی سریع تلاش نکند، بلکه بن بست و محاصره متقابل را به راهبرد فرسایشی بلندمدت تبدیل کند. استدلال نویسنده آن است که آمریکا به دلیل تولید بالای نفت، ظرفیت اقتصادی گسترده‌تر و توان بیشتر برای تحمل هزینه‌های جنگ، در یک منازعه طولانی از مزیت ساختاری برخوردار است؛ درحالی‌که قطع صادرات نفت، کاهش درآمد ارزی و تورم بالای ایران می‌تواند تهران را در نهایت میان مذاکره، تشدید نظامی یا ادامه فرسایش مخیر کند.

جمع‌بندی

هم‌پوشانی این سه روایت نشان‌دهنده تلاش برای تغییر معیار سنجش پیروزی از دستاورد نظامی فوری به توان تحمل جنگ فرسایشی است. در این چارچوب، ناکامی آمریکا در تحمیل سریع خواسته‌های خود کم‌اهمیت و در مقابل، فشار اقتصادی بر ایران به عنوان متغیر تعیین‌کننده آینده جنگ برجسته می‌شود. نقطه آسیب‌پذیر این روایت آن است که خود منابع نیز اذعان دارند محاصره آمریکا هنوز تهران را به تغییر رفتار وادار نکرده و تشدید احتمالی عملیات ایران علیه زیرساخت‌های منطقه‌ای می‌تواند محاسبات فعلی را برهم بزند.

ترسیم نظم پساجنگ با محور مهار منطقه‌ای ایران و توسعه عادی سازی رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی

اکسیوس به قلم باراک راوید گزارش داده دولت ترامپ در حال تدوین راهبردی برای دوران پس از پایان جنگ با ایران است که قرار است چارچوب سیاست خاورمیانه‌ای واشنگتن در دو سال پایانی ریاست جمهوری ترامپ را تعیین کند. این طرح هنوز در مراحل اولیه است و انتخابات ۲۷ اکتبر اسرائیل و انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا از متغیرهای مؤثر بر آن محسوب می‌شوند.

بر اساس این گزارش، سه مؤلفه اصلی در مذاکرات داخلی دولت آمریکا مطرح شده است:

❖ ایجاد آرایش منطقه‌ای میان متحدان واشنگتن برای مهار ایران با تضمین آمریکا

❖ یکپارچه سازی پرونده‌های غزه، سوریه و لبنان در قالب ترتیبات امنیتی جدید

❖ گسترش توافق‌های ابراهیم با هدف دستیابی به عادی سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی

ترامپ نیز در محافل خصوصی گفته در حال کار روی «چیزی بسیار بزرگ‌تر» در خاورمیانه پس از جنگ ایران است. با این حال، منابع اکسیوس تأکید دارند هنوز مشخص نیست همه شرکای منطقه‌ای آمریکا حاضر به همراهی با چنین معماری سیاسی-امنیتی باشند.

ادراک سازی فایننشال تایمز از تغییر زمین بازی واشنگتن از تفاهم هرمز به توافق جامع برای فرسایش اهرم‌های تهران

فایننشال تایمز در گزارشی با عنوان «چرا آمریکا و ایران همچنان در مسیر تشدید تنش حرکت می‌کنند» بن بست کنونی را حاصل تغییر زمین بازی از سوی دولت ترامپ توصیف می‌کند. به نوشته این روزنامه، واشنگتن پس از چند هفته حمایت از تلاش میانجی‌ها برای احیای تفاهم نامه خرداد و تنظیم موقت تردد در هرمز، اکنون از بازگشت به آن چارچوب عقب نشسته و خواهان توافقی جدید و جامع شامل بازگشایی کامل تنگه و پرونده هسته‌ای ایران شده است.

فایننشال تایمز به نقل از منابع مطلع می‌نویسد پیشرفت مذاکرات ایران و عمان نیز مانع این تغییر

نشد و آمریکا عملاً «دروازه توافق را جابه‌جا کرد»؛ زیرا ارزیابی جدید واشنگتن این است که افزایش نسبی عبور نفت از هرمز، رفع مین‌ها و تشدید فشار اقتصادی، امکان مطالبه امتیازات بیشتر از تهران را فراهم کرده است.

در مقابل، ایران همچنان کنترل هرمز را اصلی‌ترین مذاکراتی خود می‌داند و رفع محاصره، احیای مجوز صادرات نفت و دسترسی به دارایی‌های مسدود شده را مطالبه می‌کند. فایننشال تایمز نتیجه می‌گیرد که تلاش آمریکا برای تبدیل یک تفاهم محدود دریایی به توافقی جامع، عملاً دامنه اختلافات را گسترش داده و مسیر بازگشت به مذاکرات را دشوارتر کرده است.

بازنمایی نیویورک تایمز از افزایش اعتماد به نفس تهران پس از شش ماه جنگ و کشف محدودیت‌های قدرت آمریکا

نیویورک تایمز با استناد به ارزیابی‌های تازه اطلاعاتی آمریکا گزارش داده است که ایران پس از شش ماه جنگ، درک دقیق‌تری از ظرفیت‌های نظامی خود و محدودیت‌های قدرت ایالات متحده پیدا کرده و نسبت به توانایی ادامه درگیری اعتماد به نفس بیشتری یافته است. به نوشته این روزنامه، تهران اکنون بر این باور است که می‌تواند با ترکیبی از حملات موشکی و پهپادی، فشار بر کشتیرانی در تنگه هرمز و عملیات سایبری، جنگ را برای ماه‌ها فرسایشی کند.

ارزیابی‌های اطلاعاتی همچنین حاکی از آن است که ایران کنترل تنگه هرمز را به اهرم فشار مؤثرتری تبدیل کرده و کاهش ذخایر مهمات آمریکا را عاملی محدودکننده برای حملات گسترده جدید واشنگتن می‌داند. برخی مقامات آمریکایی معتقدند تهران قصد دارد جنگ را دست‌کم تا انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا ادامه دهد تا با حفظ قیمت بالای انرژی و افزایش هزینه‌های سیاسی جنگ، فشار بر دولت ترامپ و جمهوری خواهان را تشدید کند.

تصویرسازی از جامعه ایران به عنوان گرفتار میان فشار داخلی و پیامدهای جنگ خارجی در روایت ویرایتی از جشنواره ونیز

نشریه ویرایتی در گزارشی با عنوان «تأثیر جنگ در ایران در دو درام جشنواره فیلم ونیز بازتاب می‌یابد»، حضور دو فیلم ایرانی «اندکی نور» ساخته علی عسگری و «خانه در حال سقوط» ساخته محسن قرایی را بستری برای نمایش پیامدهای اجتماعی جنگ و محدودیت‌های داخلی ایران معرفی کرده است.

ویرایتی تأکید می‌کند هر دو اثر پیش از آغاز جنگ یا در شرایط دشوار امنیتی ساخته شده‌اند و مضامینی چون احساس گرفتار شدن، ناامیدی از آینده، فشار ساختار سیاسی و تهدید ناشی از حملات خارجی را بازتاب می‌دهند. اودساری، تهیه‌کننده دو پروژه، وضعیت شخصیت‌های این

فیلم‌ها را حاصل قرار گرفتن میان «حکومت» از یک سو و راه‌حل نظامی غرب از سوی دیگر توصیف کرده است.

این گزارش همچنین با اشاره به انتقال بخشی از تولید و پس تولید آثار به خارج از ایران، مهاجرت عوامل و دشواری دریافت ویزای آمریکا، جنگ را عامل تشدید محدودیت‌های پیشین سینمای مستقل ایران معرفی می‌کند. تهیه‌کنندگان نیز جشنواره و نیز را بستری برای بین‌المللی کردن روایت خود از شرایط کنونی جامعه ایران دانسته‌اند.

مجموع روندهای رصد شده نشان می‌دهد منازعه ایران و آمریکا وارد مرحله‌ای شده که در آن **فشار نظامی، محاصره اقتصادی، چانه‌زنی دیپلماتیک و عملیات روانی** به صورت درهم‌تنیده عمل می‌کنند.

در حوزه **بین‌الملل**، تلاش آمریکا و سه کشور اروپایی برای ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، تهدید ترامپ علیه تأسیسات زیرزمینی و گسترش «**عملیات طرد اقتصادی**» بیانگر حرکت واشنگتن از یک تفاهم محدود درباره هرمز به سمت مطالبه توافقی جامع‌تر است. با این حال، دوگانگی میان ادعای کنترل کامل هرمز و گزارش‌های مربوط به تداوم اختلال، در کنار ارزیابی اطلاعاتی از افزایش اعتماد به نفس تهران، نشان می‌دهد هیچ‌یک از طرفین هنوز قادر به تثبیت کامل روایت پیروزی خود نشده‌اند.

در حوزه **امنیتی-نظامی**، فرسودگی خدمه و تجهیزات آمریکا، تلفات ناوگان رپیرونگرانی از کاهش آمادگی عملیاتی، هزینه‌های جنگ طولانی رابرای واشنگتن آشکار می‌کند. در مقابل، هدف قرار گرفتن نفتکش در نزدیکی خارک، فشار بر زیرساخت‌های انرژی و تداوم حملات محدود، از گسترش تدریجی جغرافیا و ماهیت اهداف حکایت دارد. استمرار الگوی «**بازسازی و حمله مجدد**» می‌تواند منازعه رابه جنگی کم‌شدت، فرسایشی و فاقد نقطه پایان روشن تبدیل کند.

در حوزه **اقتصادی**، هم‌زمانی جهش دلار، شکاف نرخ‌های ارزی، ناترازی بانکی، نااطمینانی بنزینی، افزایش هزینه دارو و کالاهای ضروری و اختلال در هرمز، خطر انتقال فشار از **گرانی به محدودیت دسترسی و کمبود** را افزایش داده است. پیامدهای این وضعیت به ایران محدود نمانده و در افزایش قیمت جهانی نفت و فرآورده‌ها، فشار بر اقتصاد عراق و کاهش تقاضای مصرفی برخی بازارهای خارجی بازتاب یافته است.

در حوزه **سیاست داخلی**، دوگانه جنگ و صلح، بازتعریف مفهوم عزت، نقد ساختار تصمیم‌گیری و تشدید مناقشه پیرامون صداوسیما نشان دهنده افزایش رقابت بر سر مرجعیت روایت رسمی است. **رسانه‌های معاند** نیز با اتصال فشار معیشتی به اعتراضات، برجسته‌سازی تحولات علی‌الظاهر و نمایش جریان پهلوی به عنوان آلترناتیو، در پی تبدیل فرسایش اقتصادی و منطقه‌ای به سرمایه سیاسی هستند.

در سطح **منطقه‌ای**، تحولات لبنان، عراق و یمن و طرح‌های اسرائیلی برای مهار دائمی ایران نشان می‌دهد آینده منازعه بیش از گذشته به بازآرایی ترتیبات امنیتی پیرامونی وابسته خواهد بود. برآیند این خطوط، نه حرکت قطعی به سوی پایان جنگ، بلکه ورود به مرحله‌ای از **فرسایش متقابل، افزایش نااطمینانی و رقابت برای شکل‌دهی نظم پساجنگ** است.

مرکز رصد و پایش ق. رسانه